



تعداد صفحات

۸۰



آخرین بروزرسانی  
۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴

## جزوه خلاصه

# شیوه‌های دعوت به نماز (قرائتی)

- ✓ ویژه آزمون استخدامی آموزش و پرورش
- ✓ پوشش دهی مباحث مهم و پرکاربرد به زبان ساده و روان
- ✓ شامل خلاصه و نکات با قابلیت مطالعه در کمترین زمان ممکن



## لینک های مفید آزمون آموزش و پرورش

خرید سوالات شیوه های دعوت به نماز	سوالات رایگان آموزش و پرورش با پاسخنامه
خرید سوالات تخصصی مربی امور تربیتی و سبک زندگی	خرید سوالات عمومی و اختصاصی کیفیت بخشی
منابع تخصصی مربی امور تربیتی و سبک زندگی	منابع عمومی و اختصاصی آزمون
جزوات خلاصه حیطه عمومی و اختصاصی آموزش و پرورش	اخبار آزمون
فایل اطلاعات آزمون	شبکه های اجتماعی ایران عرضه (فایل های رایگان + تخفیفات هفتگی + اخبار)

(برای مشاهده هر بخش روی آن بزنید )

## فهرست مطالب

- ❖ فصل اول: خلاصه شیوه های دعوت به نماز (قرائتی) تالیف ایران عرضه - {صفحه ۴}
- ❖ فصل دوم: نکات مهم شیوه های دعوت به نماز (قرائتی) تالیف ایران عرضه - {صفحه ۷۶}



## ❖ فصل اول: خلاصه شیوه های دعوت به نماز (قرائتی) تالیف ایران عرضه

"برای آزمون های مشاور، مربی امور تربیتی و مشاوره، کل این فایل مطالعه شود و برای آزمون مربی امور تربیتی و سبک زندگی، تنها صفحات ۱۲ الی ۲۲ از فصل اول (خلاصه) و نکات شماره ۶ الی ۲۳ از فصل دوم (نکات) مطالعه شود."

شیوه های دعوت به نماز

گرچه درباره نماز هزاران کتاب نوشته شده اما درون مایه شیوه ها اصول قلم و بیان ها متفاوت است. این جانب نیز - با اینکه از نماز خود شرمند هستم - کتاب های زیادی را برای سنین گوناگون نوشته ام؛ کتاب هایی نظیر:

- آشنایی با نماز برای نوجوانان
- راز نماز برای جوانان
- پرتوی از اسرار نماز برای دانشجویان
- تفسیر نماز برای معلمین و اساتید
- ۱۱۴ نکته درباره نماز
- پیوندهای نماز

که از این میان دو کتاب اخیر به مسائل جنبی نماز می پردازد و برخی از این کتابها به زبانهای گوناگون ترجمه شده و حتی بعضی به تیراژ میلیونی رسیده است.

علاوه بر این ها بازاریان و اصناف نیز اقداماتی برای ساخت نمازخانه در ورزشگاه های مختلف داشته و شهرداری ها نیز به ساخت مسجد و نمازخانه در پارکها توجه بیشتری داشته اند.

اما واقعیت این است که هیچ انسانی نباید به راه های رفته خود نگاه کند تا دچار غرور نشود؛ بلکه باید به راه های نرفته نگاه کرد تا احساس مسئولیت بیشتری در انسان پدید بیاید.

نماز مطلوب از نگاه قرآن

نمازی که قرآن از ما می خواهد چنین است :

دائمی باشد: الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ؛

نمازی که از آن حفاظت شود: وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ؛

نمازی که در آن خشوع باشد: الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ؛

نمازی که بازدارنده از فحشا و منکر باشد: إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ.

نمازی که به دلیل ذکر الله بودنش آرام بخش دلها باشد: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ».

نمازی که در آن نشاط باشد، نه کسالت: «وَ إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالِي؛

نمازی که نسبت به آن فرزندان و خانواده فراموش نشوند: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ».

نمازی که اولویت آن همیشه بر سایر کارهای دیگر رعایت شود؛ حتی در میدان جنگ.

امام رضا و اهمیت نماز

اکنون که این سطرها را مینویسم روز اول ماه مبارک رمضان سال ۱۳۹۳ شمسی است و من در مدرسه علمیه نواب در چند متری حرم امام رضا هستم دو روایت از اولویت دادن امام رضا نسبت به نماز به ذهنم آمد که بیان میکنم.

اول: امام رضا مشغول نوشتن بود؛ همین که صدای اذان بلند شد قلم را به زمین گذاشت و حاضر نشد حتی با نوشتن چند کلمه نامه را تمام کند.

دوم: امام رضا جلسه مهمی با رهبر صابئین داشت بحث به اینجا رسید که او گفت: «فَعَدُّ رَقِّي قَلْبِي؛ یعنی: الان دل من برای پذیرفتن حرف امام نرم شد. در این هنگام صدای اذان بلند شد. امام فرمود اول نماز، بعد گفتگو. امام با این حرکت ثابت کرد اهمیت نماز از مهم ترین جلسات تاریخی هم بالاتر است و حتی این جلسات هم باید به هنگام نماز تعطیل شود.

چند خاطره از امام خمینی (ره)

اکنون که سخن به اینجا کشیده شد خاطراتی را از امام خمینی رضوان الله علیه نقل میکنم :

اول ایشان در ساعتهای آخر عمر به آقای انصاری که در کنار امام بودند فرمود اگر صدای اذان بلند شد و من خواب بودم مرا بیدار کن ولی هنگام اذان آن شخص به دلیل مراعات حال امام ایشان را بیدار نکرد پس از چند دقیقه امام چشم باز کرد و پرسید آیا وقت نماز شده؟ گفتند بله فرمود چرا مرا بیدار نکرده اید و چرا چند دقیقه دیر شد!؟

دوم امام می فرماید در سفر حج کتابی خریدم؛ همین که خواستم پول را به کتاب فروش بدهم صدای اذان بلند شد. او پول را نگرفت و گفت به احترام نماز اول وقت پول را نمی گیرم؛ شما بعداً بیا تسویه حساب کن!

سوم روزی که شاه فرار کرد امام در پاریس بودند. جمعیت زیادی از خبرنگاران کشورهای دنیا در محل استقرار امام جمع شدند و سخنان امام به طور مستقیم به دنیا مخابره میشد.

آری! این است معنای ایمان به خدا و ایمان به هدف و این است معنای واقعی الله اکبر؛ یعنی خدا بزرگ تر از همه چیز است بزرگ تر از دیدنی ها شنیدنی ها نوشتنی ها بزرگ تر از فکر و تصور بشر بزرگ تر از حکومت ها و مصاحبه ها و بزرگ تر از رسانه ها و سایت ها و ماهواره ها آنچه به خواست خداوند در این کتاب بیان میشود عبارت است از ویژگیهای دعوت کننده به نماز اصول و مبانی دعوت و شیوه های دعوت به نماز.

### فصل اول: اهمیت دعوت به نماز

پیامبر (ص) فرمود: خداوند جانشینان مرا رحمت کند سؤال شد آنان کیانند؟ فرمود کسانی که سنت و راه مرا احیاء کنند و به مردم بیاموزند: «رَحِمَ اللَّهُ خُلَفَائِي فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَنْ خُلَفَاؤُكَ قَالَ الَّذِينَ يُحْيُونَ سُنَّتِي وَ يُعَلِّمُونَهَا عِبَادَ اللَّهِ .

امر به معروف و دعوت به هر کار خیر و از جمله نماز که در مرکز کارهای خیر قرار دارد نشانه دلسوزی، تعهد، غیرت دینی خیر خواهی وجدان بیدار ایمان به مکتب و مردم و ایمان به هدف و راه می باشد.

ما به سفارش قرآن کریم مأموریم که خود و خانواده خود را از آتش و قهر خدا حفظ کنیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا؛ با دعوت به نماز به این سفارش قرآن کریم عمل کنیم.

در قرآن می خوانیم که پیامبران نگران افکار و عقاید فرزندان خود بودند و از آنان می پرسیدند: «ما تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي؛

پس از مرگ من چه خواهید پرستید؟ در جای دیگر میخوانیم که حضرت ابراهیم از خدا میخواست که او و ذریه اش را برپا کننده نماز قرار دهد: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ».

او به همین دلیل آنان را در منطقه ای کوهستانی و بی آب و گیاه در کنار کعبه ساکن کرد و گفت: پروردگارا! من برای اقامه نماز این مکان را برای سکونت فرزندانم انتخاب کردم: رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي ... لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ».

در واقع افرادی که نسبت به عقاید و عبادت دیگران بی تفاوت هستند باید بدانند که در وجدان تاریخ و قیامت توبیخ می شوند. خداوند هم از افراد جاهل پیمان گرفته که به سراغ علم و کشف حق بروند و هم از دانشمندان پیمان گرفته که به سراغ افراد جاهل و منحرف بروند.



البته ممکن است همه دعوت به خوبی را نپذیرند؛ ولی الگوی ما انبیاء هستند که با صبر مقاومت منطق، اصرار، توکل، کار و دعوت خود را آغاز کردند و در دعوت خود شبانه روز مشغول بودند: «قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَ نَهَارًا .

حرف های زشت و تهمت شنیدند به آنان نسبت شاعر، کاهن ساحر مجنون کذاب دادند و به دعوت هایشان نسبت دروغ، افترا، افسانه و اسطوره و به یارانشان نسبت اراذل و ساده لوح دادند؛ ولی آنها در این راه از انواع شکنجه ها و تهدیدها نترسیده و تا پای جان مقاومت کردند.

اما درباره اینکه این دعوت به خیر شامل چه مسائلی می شود باید گفت که در برگزیده مسائل زیادی است؛ از جمله دعوت به تفسیر قرآن و نهج البلاغه اخلاق کمک به دیگران گذشت از خطاهای مردم تحصیل حمایت از مظلوم، مبارزه با ظالم صرفه جویی، عزت خواهی استقلال، توکل خودباوری یأس ستیزی امید بخشی و همه آنچه مربوط به کمال انسانی است.

اگر ما این هدایت را همراه با آثارش در نظر بگیریم - که گاهی این هدایت به نسل های بعد و به زمین ها و زمان های دیگر گسترش پیدا میکند - ارزش دعوت به خیر را بیشتر درک خواهیم کرد.

### بهبانای افراد بی تفاوت

عده ای برای شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت بهانه های مختلفی می آورند که از جمله آنها به موارد زیر می توان اشاره کرد.

۱. بهانه دعوت و توصیه خلاف آزادی است.

برخی میگویند انسان آزاد است و سفارش و امر به معروف خلاف آزادی است. غافل از اینکه آزادی معنای دیگری دارد.

اگر آزادی به صورت مطلق باشد باید بتوان با لباس شنا در کلاس فیزیک حاضر شد و باید در تمام دنیا هر گونه توبیخ و جریمه و محاکمه را کنار گذاشت اگر آزادی به طور مطلق باشد و بتوانیم کودک و نوجوان یا جوانان هوس باز را رها کنیم غریزه و شهوت ها نسل انسان را نابود می کند.

پس آزادی باید در چارچوب، عقل علم قانون فطرت و حفظ حقوق دیگران تعریف شود و قرار بگیرد.

بنابراین نباید این نکته را فراموش کرد که هر آزادی ای ارزش و هر محدودیتی نقص نیست وقتی انسان از کفش و جوراب استفاده میکند - هر چند این کار محدود کردن پای انسان است - ولی این محدودیت سبب حفظ پا از خار خاشاک تیغ شیشه و خاک کوچه است.

از طرف دیگر ما باید کسانی که خیرخواه ما هستند را دوست بداریم و اگر چنین نکنیم قرآن ما را مؤاخذه خواهد کرد که: لا تُجِبُونَ النَّاصِحِينَ .

امام صادق نیز می فرماید: «أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَى مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي . بهترین دوست من کسی است که عیب مرا به من تذکر دهد. جالب اینکه حضرت نام این تذکر را هدیه گذاشته است؛ هدیه ای دوستانه.

در مقابل این روحیه کسانی هستند که قرآن کریم درباره آنها می فرماید: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ ؛ هرگاه به آنها سفارش تقوی میشود به دلیل غرور و گناه تحت تأثیر قرار نمی گیرند.

### عوامل بی اعتنایی به نصیحت دیگران

در آیات و روایات عواملی برای کسانی که دعوت به خیر را پاسخ نمیدهند بیان شده است. برخی از این عوامل عبارتند از:

جهل

امام رضا فرمود: اگر مردم زیبایی های کلام ما را بدانند از ما پیروی خواهند کرد.

تعصب

تکبر

لقمه حرام

سوء ظن به گوینده

تبلیغات خارجی

### ۲. بهانه گناه دیگران به ما ربطی ندارد.

نباید فراموش کرد که هر کار خلافی بر فرد جامعه و تاریخ اثر می گذارد. اگر امر به معروف نباشد هر روز خلاف و خلاف... کار زیادتیر می شود و از خوبی ها کاسته در توضیح تأثیر اعمال افراد جامعه بر هم مثال معروفی است که گویای مسأله است: اگر کسی محل فقط نشستن خود را در کشتی سوراخ کند و فقط از آنجا آب وارد کشتی شود همه مسافران را غرق خواهند شد!

### ۳. خجالت و ترس نابجا



برخی نگرانند که مشتری خود را از دست داده و درآمد و رزقشان کم میشود؛ بعضی نگرانند که مبادا دوستان خود را از دست بدهند؛ بعضی نگرانند که به سخنان و حرفشان بی‌اعتنایی شود؛ بعضی هم از تهدید، می‌ترسند.

جای تأسف است که افراد سیگاری در هر شرایطی سیگارشان را همراه دارند ولی برخی افراد نمازگزار همین که جایشان تغییر کرد به راحتی نماز را کنار میگذارند و میگویند در آن فضا نماز خواندن زشت بود.

بسیاری از مردان و زنان هندی هر جای دنیا که بروند، لباس پوشش و حجاب سنتی خود را حفظ می‌کنند؛ ولی کسانی هستند که اگر منزل محله شهر و کشورشان تغییر کند به سرعت با یک خودباختگی و وارفتگی به رنگ محیط در می‌آیند!

اما تاریخ گواهی می‌دهد که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در برابر چشم هزاران مشرک نماز جماعت سه نفره اقامه می‌کرد. امام جماعت رسول الله (ص)؛ و مأموم از مردان حضرت علی و از زنان حضرت خدیجه کبری (س).

ممکن است برخی گمان کنند نماز در مجالس عروسی و رسمی و یا کنار جاده‌ها نوعی خودنمایی و ریا است و ریا هم نوعی شرک و لذا سبب باطل شدن نماز است؛ اما باید بدانیم که خودنمایی حرام است اما خوب نمایی لازم است یعنی اگر کسی هدفش از این کار مطرح کردن خود باشد این کارش اشتباه است؛ ولی اگر هدفش مطرح کردن نماز باشد، این نه تنها نماز را باطل نمیکند بلکه برای آن دو پاداش دریافت میکند؛ یکی پاداش اقامه نماز و یکی پاداش دعوت عملی به معروف.

همچنین هر ریایی حرام نیست قرآن درباره انفاق میفرماید گاهی باید این انفاق مخفی باشد و گاهی هم آشکار و علنی. سرّاً و علانیه.

امام حسین می‌توانست ظهر عاشورا نماز خود را در خیمه بخواند؛ ولی مخصوصاً بیرون خیمه خواند تا اعلام کند، انجام کاری مانند جهاد هم نباید شما را از نماز غافل کند؛ او به مردم یاد داد که با هیچ قیمتی و در هیچ شرایطی نماز تعطیل شدنی نیست.

#### ۴. بهانه «با یک گل بهار نمیشود»

این بهانه در حالی گفته میشود که در تاریخ هزاران نفر از افراد با پیمودن یک راه درست ثابت کردند که یک نفر هم میتواند مسیر تاریخ و جامعه را تغییر دهد.

#### ۵. بهانه «جبر!»

برخی می‌گویند همه کارها به خواست خدا انجام میگیرد؛ اگر لازم بود خود خدا جلوی خطاکاران را می‌گرفت. در قرآن می‌خوانیم همین که به بعضی سفارش اطعام به فقرا میشد میگفتند آیا ما اطعام کنیم کسانی را که اگر خدا می‌خواست خودش

آنان را سیر می کرد: «أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ». جواب این تفکر غلط آن است که سنت خداوند بر آن است که کارها با واسطه طبیعی انجام گیرد.

#### ۶. بهانه «انتظار»

برخی می گویند ما منتظر حضرت مهدی هستیم تا خودشان تشریف بیاورند و فساد را ریشه کن کنند.

#### ۷. توقع نابجا

بعضی توقع دارند با اولین تذکر به سخنانشان عمل شود؛ در حالی که هیچ میوه ای با یک تابش خورشید نمی رسد و بسیاری از امور با تکرار به نتیجه می رسند.

#### ۸. بهانه دیگران هستند

و با این تفکر از زیر بار مسئولیت شانه خالی میکنند؛ در حالی که اسلام می فرماید همه مسئولند.

#### ۹. بهانه تقوا و پژوهش

برخی به خیال اینکه سکوت تقوا و وقار است یا وظیفه ما تحقیق و پژوهش و درس و بحث است امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه خود نمی دانند.

#### ۱۰. شخصیت های خیالی

برخی برای خود شأن و مقامی تصور میکنند و تذکر دعوت و موعظه را با شأن خود سازگار نمی دانند. چه بسیار افرادی هستند که با این توجیها نابه جا گام به گام در سقوط خود و جامعه شریک میشوند. گام هایی این چنین :

گام اول در برابر خوبی ها و بدی ها بی تفاوتند؛

گام دوم گناه برایشان عادی میشود؛

گام سوم به انجام گناه راضی هستند؛

گام چهارم به انجام گناه کمک می کنند؛

گام پنجم خود نیز مرتکب گناه می شوند؛

گام ششم به انجام گناه اعتیاد پیدا کرده و از آن لذت می برند؛

گام هفتم دیگران را هم به گناه دعوت می کنند؛

گام هشتم برای گناه سرمایه گذاری می کنند؛

گام نهم در برابر حق موضع گیری می کنند؛

گام دهم سنگدل شده و قساوت قلب پیدا می کنند؛

به قول حضرت علی نفوذ شیطان تدریجی است :

مرحله اول: «قباض؛ شیطان در روح تخم گذاری می کند؛

مرحله دوم او فرخ فی صدورهم؛ در سینه هایشان جوجه ها سر باز می کنند.

مرحله سوم: «و دَبَّ»؛ جوجه های شیطان چهار دست و پا به حرکت در می آیند؛

مرحله چهارم: «و دَرَجَ فِي حُجُورِهِمْ»؛ در دامن انسان ها به راه می افتند؛

مرحله پنجم: «فَنَظَرَ بِأَعْيُنِهِمْ»؛ سپس شیطان، با چشم آنها می نگرد؛

مرحله ششم: «و نَطَقَ بِالسِّنِّتِهِمْ»؛ شیطان با زبان آنان سخن می گوید؛

مرحله هفتم: فَرَكَبَ بِهِمُ الزَّلَّلَ»؛ شیطان به واسطه همین افراد سبب لغزش دیگران می شود.

## فصل دوم : اصول و قواعد کلی در دعوت به نماز

در دعوت دیگران به نماز اصول و قواعدی کلی وجود دارند که در چگونگی انجام فعالیت‌های مربوط به نماز نقش مهمی ایفا میکنند در این فصل مهم‌ترین این اصول را به اختصار بیان می‌کنیم.

## استمداد از خدا

دعوت به خیر نماز و هر کار خیر دیگری تنها با علم تجربه، روانشناسی استفاده از ابزار و فرمول‌ها انجام نمی‌شود؛ بلکه این کار مقدس باید از سرچشمه بی‌نهایتی گرفته شود.

حضرت ابراهیم از خداوند متعال میخواهد که پس از خودش افرادی مبعوث شوند و مردم را به علم و تزکیه دعوت کنند رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا

او از خدا میخواهد که توفیق اقامه نماز را به خود و ذریه اش مرحمت کند: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ .

نکته مهم این است که حضرت ابراهیم از خداوند متعال برای نسل خود دو نعمت مهم را درخواست کرد

۱. اقامه نماز؛ «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي».
۲. رهبری مردم؛ همین که خداوند متعال فرمود: ای ابراهیم من تو را امام و رهبر مردم قرار دادم (إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا)، حضرت ابراهیم درخواست کرد که خدایا! این مقام را به نسل من هم بده (قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي).

امام سجاد در دعایی از خدا میخواهد که زبان و نطقش به هدایت باز شود: «اللَّهُمَّ وَ أَنْطِقْنِي بِالْهُدَى وَ حضرت موسی از خدا میخواهد که در کار دعوت به خدا شرح سینه آسانی امور و بیان روانی که مردم کلامش را به طور عمیق بفهمند عنایت فرماید: «رب اشرح لي صدري .....

راز این طلب از خداوند آن است که دعوت کننده به حق میخواهد دست انسانها را در دست خدا بگذارد و برای این کار نیاز دارد که دست لطف خدا همراه انسان باشد. اگر از سوی او عنایتی نباشد توفیقی به دست نمی‌آید؛ چرا که هدایت به دست خداست و انسان واسطه‌ای بیش نیست.

در برخی آیات قرآن کریم میخوانیم که خداوند متعال به پیامبرش میفرماید تو نمی‌توانی هر که را بخواهی هدایت کنی بلکه این خداوند است که هر که را بخواهد هدایت می‌فرماید: «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ».

امام سجاد در دعای مکارم الاخلاق می فرماید: وَ اجْعَلْنِي مِنْ اَهْلِ السَّادَةِ، وَ مِنْ اِدْلِهِ الرَّشَادِ؛ خدایا! مرا راهنمای رشد دیگران قرار بده.

بر هر مسلمانی واجب است که در هر نمازی از خداوند متعال هدایت خود را درخواست کند: «اهدنا الصراط المستقیم. راه مستقیم در فکر نیت، عمل ابزار شیوه انتخاب زمان انتخاب مکان انتخاب همسر انتخاب رشته تحصیلی، انتخاب شغل برنامه ریزی و خلاصه در هر چیزی بدون استمداد از خداوند امکان ندارد.

مهمتر آنکه پیغمبر اسلام دو برابر دیگران از خدا میخواست که به راه مستقیم هدایت شود زیرا افزون بر نمازهای شبانه روزی، نماز شب نیز بر پیغمبر واجب بود که در آن نمازها نیز باید اهدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ گفته شود. این در حالی است که پیامبر نه تنها در راه مستقیم است بلکه تسلط کامل بر راه مستقیم دارد؛ زیرا در سوره مبارکه پس به پیامبر خطاب می شود که تو بر راه مستقیم تسلط داری: «إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ \* عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ». از این تعبیر شاید بتوان این طور استفاده کرد که کسانی که مسئول کار فرهنگی هستند بیشتر از دیگران در خطر انحرافند و بنابراین باید بیشتر از خدا بخواهند که در راه مستقیم بمانند.

### ۳. تداوم و تکرار دعوت

گاهی مخاطب ما با یکی دو بار تذکر حرفی را نمی پذیرد؛ مثل چوب محکمی که با یکی دو ضربه تبر نمی شکند؛ ولی ما نه از چوب دست بر می داریم و نه از تبر یا اگر در شیشه آبلیمو را نتوانیم باز کنیم نه از شیشه دست بر می داریم و نه از آب لیمو! بلکه آن را دست به دست می چرخانیم تا بالاخره یکی بتواند بازش کند!

برخی افراد پس از چندین بار تذکر تأثیر می پذیرند؛ همان گونه که خرما پس از تابشهای پی در پی و مکرر خورشید می رسد. در قرآن هم می خوانیم: «وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ

که در این آیه عبارت کان یأمر» دلالت بر استمرار دارد. در جایی دیگر نیز میخوانیم که خداوند متعال سفارش می کند که اهل خود را به نماز سفارش کن و مقاومت داشته باش: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا ؛

اگر چند بار گفتی و گوش نکردند، خسته نشو!

نماز مسأله ای نیست که تنها در مقطعی از دوران تحصیل ابتدایی متوسطه یا عالی به آن پرداخته شود؛ بلکه باید همانند اذان که شبانه روز تکرار میشود در تمام سطوح از مهد کودک تا بالاترین رده به آن پرداخته شود و برای هر دوره ای به تناسب فهم مخاطب مطالبی بیان گردد.

خداوند متعال نیز می فرماید: من یک حقیقت را با چند بیان و در چند موضوع قرار دادم و لَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ؛ یعنی مطلبی را در قالبهای مختلف و مکرر بیان کردم تا شاید اثر کند.

خداوند متعال در جای دیگری میفرماید چون در روز کار سختی در پیش داری سحرها با نماز شب و تلاوت قرآن خود را تقویت کن: «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيَلًا \* إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا.

یکی دیگر از راه های تقویت روحیه مقاومت در انسان یادبود افراد مقاوم است خداوند می فرماید: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ يَعْنِي أَي پیامبر تو باید صبری همچون پیامبران اولوا العزم داشته باشی و باید با یاد آنان صبر خود را تقویت کنی. در کنار این سفارش هشدار میدهد که مثل حضرت یونس نباش او خسته شد و از مردم برید و ما او را به روشی متوجه کردیم که نباید مردم را رها کرد: «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَ لَا تُكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَ هُوَ مَكْظُومٌ .

آنها اذیت شکنجه تحقیر و تهمت فراوان را به جان خریدند و حتی تهدید به قتل و سنگباران شدند، اما برنامه و سنت خداوند متعال حمایت از حق و اهل تقوا و یاری پیامبران و یاران آنهاست.

راه دیگر کسب استقامت توجه به پاداش الهی است؛ در قرآن میخوانیم: «وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ .

آنچه باعث دلگرمی در مقابل همه این بی مهری هاست یکی آن است که کارهای ما زیر نظر خداست و خدا آنها را می بیند. «فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا . و خداوند متعال از حال ما خبر دارد که در چه فشاری هستیم: «وَ لَقَدْ نَعَلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرَكَ بِمَا يَقُولُونَ»؛ دیگری هم اینکه پاداش دور از ذهن و درک ما به دعوت کنندگان و اجر بی حساب به صابران و مقاومان می دهد و جایگاه دعوت کنندگان را بالاترین جایگاه معرفی میکند: «وَ مَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ»

#### ۴. آسان گیری

یکی از اصول اساسی در دعوت به نماز آسان گیری است. قرآن می فرماید ما وحی را آسان قرار دادیم تا به راحتی مردم متذکر شوند: «وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ .

شعار اصلی پیامبر (ص) هم یک جمله کوتاه با سه حرف الف لاه و هاء بود: «لا اله الا الله» ایشان فرمود: «قولوا لا اله الا الله تُفْلِحُوا .

همچنین در قرآن کریم میخوانیم خداوند متعال نسبت به شما اراده سخت گیری ندارد بلکه اراده آسان گیری دارد: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ».

در آموزش و در دعوت به حق ما باید اساس را بر آسان گیری و آسان سازی قرار دهیم. مثلا در آموزش به واجبات بسنده کنیم. حتی در آموزش مستحبات هم تمام ابعاد مستحبی را در نظر نگیریم؛ مثلا اگر کسی میخواهد درباره نماز شب صحبت کند، بگوید: نماز شب یازده رکعت است پنج تا دو رکعتی و یک یک رکعتی که میتوان بدون سوره، نشسته یا ایستاده هم به جا آورد. پس مستحبات نماز شب را نباید در آغاز کار مطرح کنیم و بلکه به تدریج آنها را بیان می کنیم.

باید آداب و رسوم و قوانینی که نه بر اساس عقل است و نه بر اساس وحی از بین برود تا مانع حرکت نشود. مثلا اگر مساجد ما کوچک، محکم، متعدد و در دسترس باشند افراد بسیاری نمازشان را در مساجد خواهند خواند ولی اگر مساجد مجلل و بزرگ و دور از دسترس باشند و یا در دسترس نباشند برای اقامه نماز در آن مردم احساس سنگینی خواهند کرد. خداوند متعال کعبه را در گودی قرار داده که هنگام نماز مردم در سراسیمگی قرار بگیرند؛ اگر کعبه در مکان مرتفعی بود، مردم برای حضور در مسجد احساس سنگینی می کردند.

در قرآن کریم هم میخوانیم همین که برادران یوسف (ع) از او عذر خواهی کردند ایشان بدون درنگ فرمود: از همین الان هیچ گناهی بر شما نیست و همه برادران را - با اینکه باعث ده ها سال گرفتاری چاه و به بردگی فروخته شدن و فراق و کوری پدر و عشق زلیخا و تهمت و زندان و... شده بودند - یک جا بخشید: «قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ .

امام سجاد (ع) نیز در دعای مکارم الاخلاق میگوید خدایا مرا انسانی روان قرار بده: «و لین العریکه».

این آسان گیری در کلمات توقعات و برخوردها باید ملاحظه شود. اگر این اصل آسان گیری تنها در مهمانی ها مراعات شود میلیونها صله رحم اضافه میشود؛ ولی میهمانیهای پرتکلف سبب میشود که دید و بازدیدها به سالی یک بار تبدیل شود.

## ۵. تقویت جرئت و شهامت

بسیاری از افرادی که از انجام کارهای خیر محرومند به خاطر ضعف اراده و جرئت است. انسان باید به جایی برسد که اگر در دست او طلاست ولی همه مردم گفتند سفال است و اگر در دست او سفال است و همه گفتند طلاست چون خودش به باور رسیده در خود هیچ تزلزلی راه ندهد و حرف مردم او را تحت تأثیر قرار ندهد. همان گونه که به پیامبران نسبت مجنون ساحر، کاهن شاعر و کذاب میدادند و به یاران آنان توهین میکردند و به کلام آنها افسانه و افترا می گفتند؛ ولی در آنان هیچ گونه تزلزلی پیدا نمی شد. در حدیث میخوانیم که مؤمن مثل کوه است؛ با این تفاوت که کوه ممکن است ریزش کند ولی در مؤمن هرگز ریزشی نیست .



والدین و مربیان باید به نسل نو اجازه اظهار نظر بدهند؛ همان گونه که در قرآن میخوانیم حضرت ابراهیم که حدود صد سال داشت، از فرزند سیزده ساله اش نظر خواست و پرسید: «إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى .

پدر گفت: ای فرزندم همانا در خواب (چنین) میبینم که تو را ذبح میکنم؛ نظرت در این باره چیست؟

در تاریخ کربلا نیز میخوانیم که امام حسین (ع) از فرزند برادرش حضرت قاسم که حدود سیزده سال داشت، پرسید:

شهادت در نزد تو چگونه است؟ او پاسخ گفت: از عسل شیرین تر!

رشد فکری و سیاسی این نوجوان تا جایی است که می گوید اگر حاکم بر من طاغوتها و افراد رذل باشند، مرگ و شهادت از زندگی تحت فرمان آنها شیرین تر است.

انسان ممکن است در راه انجام وظیفه نماز یا هر کار دیگر انواع طعنه و سرزنش ها را از ناهلان بشنود. قرآن در سوره مطفین چهار نوع سرزنش و تحقیر را که مجرمین نثار مؤمنین می کنند، بیان کرده است:

برنامه مجرمان آن است که به مؤمنان بخندند: «إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ»؛

هنگامی که از کنار آنان عبور می کنند با چشم و ابرو غمزه می آیند: «وَ إِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَعَامَرُونَ ؛

همین که این مجرمان به سوی همفکران خود بر میگردند و دور هم جمع میشوند نسبت به عملکرد مؤمنان فکاهی می گویند:

«وَ إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ (۳)

اگر آنها را از راه دور مشاهده کنند با اشاره آنان را منحرف مرتجع امل، عقب مانده سنتی و متحجر می خوانند و به آنان نسبت گمراهی می دهند: «إِنَّ هَؤُلَاءِ لَصَالُون .

ولی خودشان را در دنیای خیال روشنفکر می پندارند؛

اما قرآن کریم به مؤمنین میگوید این نوع برخوردها نباید در شما اثر بگذارد؛ زیرا روز قیامتی در پیش است که شما بر تختهای بهشتی تکیه زده ذلت و حقارت آنان را خواهید دید و به آنها خواهید خندید: «فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ \* عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ .»

نکته دیگر در ایجاد روحیه شهادت در فرزندان این است که والدین نباید حتی اگر لغزشی از فرزند دیدند، او را سرکوب کنند؛ به طوری که جرئت فرزند از بین برود؛ اگر در معامله رانندگی نوشته و سخنی راه درست را نرفت، به گونه ای به او تذکر دهند که شهادتش از بین نرود.

حضرت علی (ع) دختری تربیت کرد به نام زینب (س)؛ دختری که سخت ترین ضربه ها را دید؛ در طول نصف روز شهادت برادران، فرزندان بستگان و یاران خود را با فجیع ترین وضع به چشم دید؛ اسارت و حقارت را در اوج خود دید، اما در کوفه و شام آن گونه سخنرانی کرد که افکار عمومی را تغییر داد و رژیم بنی امیه را لرزاند سخنان زینب کبری(س) گویا موشکی ویرانگر بر پیکر رژیم بنی امیه بود و این است نمونه تربیت علوی. نکته تربیتی دیگر این است که در اسلام سفارش شده با افراد ترسو مشورت نکنید؛ زیرا آنها جرئت شما را از بین می برند.

شاید از این جمله بتوان چنین استفاده کرد که دوستی با افراد شجاع و جسور هم در شجاعت انسان مؤثر است.

### خاطره ای از شهامت امام خمینی (ره)

بنده خدمت آیت الله بهاء الدینی رسیدم و گفتم ما سالمندی امام خمینی را دیده ایم؛ آیا شما که از جوانی با ایشان بودید خاطره ای جالب از ایشان دارید؟ ایشان فرمود امام خمینی حدود بیست سال داشت که از خمین و اراک برای تحصیل به حوزه علمیه قم آمد. در آن زمان که حکومت رضا شاه بود و چادرها را از سر زنان و عمامه ها را از سر روحانیون بر میداشتند و با تمام مظاهر دینی با قدرت مخالفت میکردند، در قم کسی بود که از مهمترین شخصیت های آن زمان به شمار می آمد و حدود هفتاد و پنج سال سن داشت یک بار آن شخص حرف بدی بر زبان آورد که در آن اهانت و تضعیف دین بود. البته سخنان نابجا اگر از افراد عادی سر بزد وظیفه ما کظم غیظ و برخورد با کرامت و سعه صدر و عبور کردن با بزرگواری است؛ اما اگر این کلمات از افراد فرهیخته یا سیاسی و مغرض سر زد باید به آنان جواب محکم داد امام با جسارت و جرئت که داشت چنان سیلی محکم به صورت او زد که عینکش بر زمین افتاد و تکه تکه شد.

این جرئت امام در بیست سالگی بود که باعث شد در پیروی به بازماندگان رژیم پهلوی بگوید من توی دهن این دولت می زنم، من شاه را خلع می کنم. بدیهی است که مراد ما از جرئت و جسارت آن جرئت و جسارتی است که همراه با تدبیر و شناخت باشد؛ و گرنه اگر این جسارت در افراد نا اهل باشد جرئت آنان بر گناه بیشتر خواهد شد.

### خاطره ای از آزادگی امام خمینی (ره)

نقل شده است که مرحوم آیت الله بهشتی روزی نزد امام خمینی (ره) رفت و از جسارت طرفداران بنی صدر که در آن زمان رئیس جمهور بود گلایه کرد آنها با کمال وقاحت میگفتند مرگ بر بهشتی امام خمینی به ایشان فرمود: اکنون چه صدایی می شنوی؟ دکتر بهشتی گفت علاقه مندان شما در حسینیه جماران جمع شده اند و برای دیدن شما شعار می دهند. امام فرمود مردم دنیا پشت این دیوار به نفع من شعار دهند یا بر ضد من در من اثری ندارد!

در یکی از پیامهای امام خمینی نیز میخوانیم که اگر خمینی تنها هم بماند لحظه ای با آمریکا سازش نخواهد کرد.

در اینجا بد نیست توضیح مختصری راجع به خجالت و حیا بیان کنم. بنابر احادیث، حیا و خجالت دو نوع است: گاهی حیا و خجالتی که برخاسته از عقل است گاهی حیا و خجالت بر خاسته از احمقی است. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الْحَيَاءُ حَيَاءَانِ حَيَاءُ عَقْلٍ وَ حَيَاءُ حُمُقٍ فَحَيَاءُ الْعَقْلِ هُوَ الْعِلْمُ وَ حَيَاءُ الْحُمُقِ هُوَ الْجَهْلُ .

گاهی انسان بر اساس عقل و تدبیر ساکت میشود و برخوردی نمی کند؛ که این حیا عاقلانه است؛ مانند اینکه اگر از والدین و دوستان کلام بدی را شنید یا حرف بدی را دید از پاسخ دادن و مقابله به مثل حیا میکند ولی سخن ما در آنجاست که حیا و خجالت از ضعف و زبونی و خودکم بینی ناشی می شود.

### راه تقویت جرئت

یکی از راههای ایجاد جرئت مقایسه جرئت خود با جرئت دیگران است چرا باید افرادی آشکارا گناه کنند، ولی ما از اقامه نماز خجالت بکشیم!؟

چرا افرادی که در جلسه ای نشسته اند اگر نیاز به دستشویی پیدا کردند بر می خیزند و می روند اما اگر یادشان افتاد نماز نخوانده اند خجالت می کشند!؟

چرا افرادی برای فروش جنس خود با بیان و نوار و.... تبلیغ میکنند و ما از فریاد زدن اذان خجالت می کشیم!؟

حضرت علی (ع) می فرماید چرا دیگران در باطل محکم هستند و شما در راه حق ضعیف هستید؟

بسیارند افرادی که اگر ببینند کسی نماز می خواند آنها هم برای نماز قیام می کنند؛ ولی از اینکه خودشان به تنهایی برای نماز قیام کنند، خجالت می کشند؛

بسیارند افرادی که برخی احکام نماز را نمیدانند و از پرسیدن آن خجالت می کشند؛ بسیارند افرادی که عذری دارند ولی از بیان عذر خود خجالت میکشند؛ بسیارند افرادی که اگر در جایی کسی آنان را نبیند حاضرند نماز بخوانند؛ ولی در جلوی چشم دیگران خجالت می کشند این کار را انجام دهند؛ اینها نمیدانند که در حدیث آمده است مثال کسی که در میان مردم به نماز بایستد مثال درخت سبزی در کویر خشک است. اینها نمی دانند که قرآن کریم یکی از نشانه های خوب بندگان خدا را این میدانند که به جامعه حرکت بدهد؛ یعنی او مسأله نماز را طرح کند و خود به نماز بایستند تا دیگران از او اقتباس کنند: «وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا .

قرآن مردم را از لحاظ تأثیر پذیری از محیط به سه دسته تقسیم می کند:

۱ گروهی که در جامعه فاسد هضم می شوند: «وَ كُنَّا نَحُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ .

یعنی اگر دیدند فضای مجلس فضای نامناسبی است نه جرئت خروج دارند و نه توان دارند که فضای جلسه را تغییر دهند.  
 ۲ گروه دیگر جرئت دارند که خود قیام کنند و منطقه و محل گناه را رها کنند؛ مانند اصحاب کهف که قرآن در ستایش آنان می فرماید: آنان گروهی جوانمرد بودند که در فضای انحرافی و محیط فاسد زندگی میکردند. آنها تصمیم گرفتند قیام کنند و از لذتها و رفاه شهری بگذرند و با زندگی بسیار ساده در غار از فکر و دین خود حفاظت کنند.

۳ گروه سوم افرادی هستند که نه تنها در جامعه فاسد هضم نمیشوند بلکه علاوه بر خارج شدن از منطقه و جلسه، سعی می کنند تا جامعه را تغییر دهند و فضای فاسد را به فضای سالمی تبدیل کنند؛ اگرچه تنها و یک نفر باشند.

قرآن کریم می فرماید ابراهیم (ع) یک نفر بود؛ اما جوانی بود که جامعه را تغییر داد. او فردی بود در جایگاه یک امت و ملت. بنابر احادیث، حضرت ابوطالب علیه السلام نیز مانند یک ملت پشتیبان پیامبر اسلام (ص) بود؛

به هر حال یکی از عوامل دعوت به نماز که بستر نماز را فراهم میکند داشتن جرئت و تمرین آن و القاء جرئت به دیگران به ویژه فرزندان است. حضرت علی (ع) می فرماید چرا دیگران در باطل محکم هستند و شما در راه حق ضعیف هستید!؟

در قرآن از زبان افراد ترسو و بی جرئت نسبت به رفتن به جبهه توجیهاات زیادی بیان شده است. گروهی برای جنگ تبوک می گفتند ما نگرانیم که اگر به جبهه بیاییم نگاهمان به دختران رومی بیفتد و دچار فتنه شویم قرآن می فرماید: همین بهانه ها و ترک جبهه خود بزرگترین فتنه است: «أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا

آنها برای نرفتن به جبهه بهانه های مختلفی می آوردند مثل اینکه هوا گرم است؛ خانه های ما در و پنجره ندارد و ما باید بالای سر زن و بچه مان باشیم راه دور است؛ دشمن زیاد است و.....

افراد بی اراده و ضعیف به جای اینکه به بر طرف کردن عیب خود بپردازند کار خود را متانت بصیرت و عقلانیت می پندارند؛

آنها حتی احساسات افراد شجاع را بی تدبیری می دانند!

نکته آخر هم در این زمینه اینکه حضرت امیر میفرماید: امر به معروف و نهی از منکر نه رزق شما را قطع و نه مرگ شما را نزدیک می کند .

## ۵. ساده کردن امور

اصل دیگر در دعوت به کار خیر ساده کردن کارهای خیر است. برای مثال اگر افطاری ها ساده باشد، همان گونه که پیامبر (ص) فرمود حتی با دانه ای خرما همان گونه که در مکه و مدینه با نان و خرما و پسته آن جمعیت بسیار بر سر سفره افطاری

می نشینند و در دعوت هیچ گزینشی صورت نمی گیرد. هیچ کس دیگری را نمی شناسد و از یکدیگر توقع جبران ندارد؛ چنین افطاری برای همه آسان است و کسی از تکرار آن خسته نمی شود.

اما متأسفانه در برخی افطاری ها آنقدر تنوع در غذا شیرینی جات میوه کارتهای دعوت کرایه سالن ها و رفت و آمدهای پردردسر وجود دارد که گاهی یک افطاری دادن به صورت یک پروژه عظیم در می آید.

در دعوت به نماز نیز باید برنامه ها را ساده بگیریم تا همه شرکت کنند. نتیجه ساخت مساجد بسیار این می شود که بسیاری از مناطق، مسجد ساده هم ندارند.

راستی؛ ساده تر از کعبه خانه ای سراغ دارید؟

نباید به نماز چیزهایی اضافه کرد که کار را سخت میکند. اسلام هفده رکعت نماز را در یک لحظه واجب نکرده؛ بلکه آنها را در چند نوبت تقسیم و توزیع کرده است نمازهای نافله را به ایستادن و رو به قبله بودن مشروط نکرده؛ یعنی انسان می تواند در حال راه رفتن هم حمد و سوره را بخواند و با اشاره خفیفی رکوع و سجود را انجام دهد.

اسلام در کنار کارهای سنگین کارهای مشابهی را قرار داده تا راه برای همه باز باشد؛ برای مثال به کسانی که به نماز جمعه می روند پاداش حج و به کسانی که زیارت حضرت عبدالعظیم می روند پاداش زیارت کربلا می دهند.

برای بسیاری از کارهای پر حجم برنامه هایی قرار داده که افراد ضعیف هم محروم نمانند؛ چنانچه در دعا نیز می خوانیم: «و سَوَّى التَّوْفِيقَ بَيْنَ الضَّعِيفِ وَ الشَّرِيفِ .

حتی در روایات هست که اگر کسی نیت صادق و خالصی نسبت به انجام کار خیر داشته باشد و به هر دلیل توانایی انجام آن را نداشته باشد، خداوند پاداش انجام آن کار خیر را به او می دهد: «يَهُ الْمُؤْمِنُ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ ... وَ كُلُّ عَامِلٍ يَعْمَلُ عَلَى بَيْتِهِ.

## ۶. موضوع شناسی

در امر به معروف و نهی از منکر باید موضوع شناسی و مخاطب شناسی بصیرانه صورت گیرد. گاهی نرمی و گاهی تندی لازم است. به این مثال توجه کنید اگر روی آستین انسان گرد گچ، نشست آن را با ضربه شدید دست از لباس دور میکنیم اما اگر روی همین آستین دوده ای نشست باید آن را با فوت و به آهستگی و نرمی از لباس دور کرد؛ اگر در این مورد نیز با شدت برخورد کنیم هم دستمان سیاه میشود و هم دوده به لباس مالیده میشود. لذا با تمام منکرات نمی توان یکسان برخورد کرد و هر کدام، حساب جداگانه ای دارد.

## ۸. تکریم و هویت بخشی

قرآن می فرماید: «هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا»؛ او کسی است که بر شما درود میفرستد و فرشتگان او نیز بر شما درود می فرستند تا شما را از تاریکیها کفر، شرک، جهل، تفرقه و خرافات به سوی نور ایمان، تقوا علم و وحدت در آورند و او به مؤمنان مهربان است.

راه دعوت مردم به دین درود و رحمت است: «يُصَلِّي عَلَيْكُمْ ... لِيُخْرِجَكُم»

فرشتگان، هم بر مؤمنان درود می فرستند: يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم و هم برای آنان استغفار می کنند: «وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا .

در این ماجرا، پیشنهاد اقتصادی دختر قبول پدر و پیشنهاد ازدواج پدر مطرح میشود و به قول معروف به پیشگیری قبل از درمان و ایمنی قبل از کار نیز اشاره می گردد.

به طور کلی اگر انسان - به ویژه نسل نو - خود را در جامعه عزیز و شریف احساس کرد به کارهای سبک نمی پردازند: «مَنْ كَرَمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يُهِنَّهَا بِالْمَعْصِيَةِ .

و این یک مسأله طبیعی است؛ هیچ سرهنگ و سرتیپی با لباس فرم حاضر نیست در ملأ عام به کارهای سبک دست بزند.

لذا بی جهت نیست که پیامبر اسلام، حتی کودکان را با اسم صدا نمی زد؛ بلکه آنان را با کنیه که در عرب نشانه تکریم است مورد خطاب قرار میداد به آنان سلام میکرد و حق آنان را پاس می داشت. مثلاً نوجوانی از پیامبر ، ظرف آبی را که پیامبر از آن نوشیده بود درخواست کرد. در همین هنگام افراد بزرگتر نیز تقاضا کردند؛ ولی حضرت فرمود: باید نوبت آن نوجوان محفوظ بماند.

### خاطره

در ایام عاشورا شبی در مجلس مهم و پرجمعیتی بر منبر مشغول سخنرانی بودم مسئولان منطقه وارد شدند. مسئول جلسه برای احترام به این افراد پای منبر آمد و نوجوانانی که آنجا نشسته بودند را بلند کرد و مسئولان را آنجا نشانند.

من با دیدن این صحنه احساس کردم کار اشتباهی انجام شده است؛ زیرا هیچ کس حق ندارد کسی را از جایی که نشسته بلند کند. سخن خود را روی منبر قطع کردم و گفتم یک مسأله شرعی بگویم و بعد سخنم را ادامه بدهم. از مسئولان محترم برای شرکت در جلسه امام حسین تشکر میکنم ولی چون مدیر هیئت نوجوانان را با زور بلند کرد و شما را نشانند، باید اطلاع بدهم که این کار حرام و توهین به آنهاست. از شما تقاضا میکنم برخیزید و هر جایی که جا هست، بنشینید و از بچه ها خواستم که به جای خود برگردند. بچه ها با یک نشاط جدیدی پای منبر نشستند و به دلیل دفاع از حق طبیعی و شرعی شان نوک انگشتان خود را بر لب گذاشته و میبوسیدند و از پای منبر این بوسه ها را به سمت من پرتاب می کردند!

## ۹. توجه به نشاط و آمادگی مخاطب

در دعوت به نماز باید به آمادگی و نشاط مخاطب توجه کرد؛ زیرا حالتهای انسان متفاوت است. بنابراین باید زمینه مناسب را فراهم کرد.

دعوت کننده باید بداند که گاهی قلب آمادگی روی آوردن به حق را دارد و گاهی این چنین نیست؛ بنابراین باید از حالت اشتیاق و اقبال استفاده کرد؛ زیرا در برخی حالات که آمادگی روحی وجود ندارد اگر سخنی بر قلب تحمیل شود، آن را کور خواهد کرد: *إن القلب اذا اکره عمی* .

در سیره پیامبر (ص) می خوانیم که وی در آغاز دعوت یک مهمانی ترتیب داد و سران فامیل را دعوت کرد - تا پس از مهمانی که به طور طبیعی آمادگی و نشاط ایجاد میکند - نبوت خود را مطرح کند؛ ولی ابولهب با کلمات و حرکاتی فضای جلسه را تغییر داد و برای همین پیامبر دعوت خود را به جلسه بعد موکول کرد.

والدین نیز باید در دعوت فرزندان خود هم جدی باشند و هم به حالتهای او توجه داشته باشند. پیامبر (ص) در این باره فرمود: «وای بر فرزندان آخر الزمان به خاطر پدرانشان سؤال شد مگر پدرانشان مشر کند؟ فرمود: «نه، پدران با ایمانی هستند، ولی هیچ چیز از واجبات را به فرزندان خود نمی آموزند و اگر خود فرزندان چیزی را فرا گیرند از آنان جلوگیری میکنند این پدران به مقدار کمی از دنیا که نصیب فرزندشان بشود، راضی هستند و من از آنها متنفرم.



## فصل سوم : ویژگی های دعوت کنندگان به نماز

افرادی که وظیفه دعوت دیگران به دین و خصوصاً نماز را به عهده میگیرند باید به خصایص و ویژگی هایی خود را آراسته کنند که مهمترین آنها عبارتند از موارد زیر :

### ۱. تواضع

کسانی که به کار خیر و نماز دعوت میکنند باید در برابر مخاطب خود تواضع کامل داشته باشند: «وَإِخْفُصْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ

باید زندگی آنها عادی باشد: «إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ

هدفشان نباید برتری طلبی نباشد: تِلْكَ الدَّارُ الْأَخْرَى نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ؛

### ۲. شرح صدر و اخلاق نیک

دعوت کننده به کار خیر باید دارای سعه صدر و اخلاق عالی باشند: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ .

اصولاً - قرآن علت گرد آمدن مردم در اطراف پیامبر را اخلاق نیک و مهربانی حضرت می داند: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَتَّخِذُوا مِنْ حَوْلِكَ .

### ۳. خوش نامی

دعوت کننده باید در جامعه خوش سابقه و بدون حاشیه باشد.

در دعوت به نماز و هر کار خیر دیگر محبوبیت فرد نقش مهمی دارد.

در واقع یکی از علل تأثیر سخنان پیامبر در مردم آن روزگار نیز همین خوش نامی ایشان بود که مردم او را «محمد امین» نامیده بودند.

قرآن می فرماید از مردم زکات بگیر و به آنان درود فرست زیرا درود شخص تو برای آنان آرامش بخش است: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ .

در ماجرای تنظیم اسناد تجاری نیز قرآن می فرماید گواهانی را که از آنها راضی هستید گواه بگیرید مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ». یا در جای دیگر می فرماید: حتی مخالفین به پیامبران می گفتند ما به تو دل بسته بودیم: «قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا .

### ۱ معلومات و دانش کافی

هر کاری نیاز به علم مخصوص دارد و دعوت به حق نیز این گونه است:

دعوت باید همراه با حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن باشد: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»؛

دعوت به نماز و هر کار الهی دیگر باید بر اساس بصیرت باشد.

در دعوت باید به بهترین بیان و با متانت سخن بگویند: «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»؛

باید از راه های حقی که اولیای خدا رفته اند پیروی کرد و به اسم ابتکار و نوآوری و... وقار و متانت خود و نیز سنت های خوب دیگران را از بین نبریم؛

در نهایت دعوت باید طبق اخلاق و ادبیات و فرهنگ مخاطب باشد: بلسانِ قَوْمِهِ».

## ۲ بیان روان

همین که خداوند متعال به حضرت موسی (ع) فرمود که برای دعوت به سراغ فرعون برود ایشان دو مطلب را از خداوند خواستند که یکی باز شدن لکنت زبانش بود: «وَ أَخْلَلْ عُقْدَهُ مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي» .

و دیگری اینکه برادرش که از او خوش زبان تر بود نیز همراهش گردد.

کسانی که مسئول دعوت به نماز یا آموزش آن هستند باید سعی کنند این سخنها را به گونه ای بگویند که هم عوام آنها را بفهمند و هم خواص آنها را بپسندند.

استاد و معلم و روحانی باید آن گونه بگویند که هم عوام بفهمد و هم خواص بپسندد؛ یعنی هم با استدلال باشد و هم روان و قابل فهم برای همه گفته شود.

## ۱-۱ خلاص

خلاص در دعوت یعنی

دعوت او بدون چشم داشت و امکانات و تجملات دیگران باشد: «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ .

هیچ گونه توقع پاداش و تشکری از مخاطب نداشته باشند: «لَا تُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا» .

دعوت کننده باید دقت کند که دعوت او فقط برای خدا باشد و از هیچ کس نترسد: «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» .

و سرزنش این و آن در او اثر نکند: «لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» .

دعوت کننده به نماز باید مانند پیامبر اسلام سوز و شور ویژه ای داشته باشد: «حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ.

خداوند متعال می فرماید سختی و رنج شما بر پیامبر بسیار گران است: «عَزِيْزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ ؛

تذکر هم باید مانند پیامبر از روی سوز باشد.

### ۳- شروع از خود و اطرافیان

لازم است که دعوت کننده خود به آنچه دعوت میکند عامل باشد و ما آرید أَنْ أَخَالِفَكُمُ إِلَىٰ مَا أَنهَآكُمْ عَنْهُ .

همچنین از خویشان و اطرافیان شروع کند: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ وَ قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا .

### صبر و استقامت

دعوت کننده باید بداند که کار او نیاز به صبر و تحمل دارد و او باید صبر کند: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعُرْمِ مِنَ الرُّسُلِ

او باید پیش بینی آن را بکنند که در جامعه افراد لجوجی هم هستند که در مقابل تمام دعوتها و تبلیغات و استدلال ها، جز

لجبازی عکس العملی از خود نشان نمی دهند: «فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا قِرَارًا .

### ایمان به کار

باید دعوت کنندگان به آنچه مردم را بدان دعوت میکنند ایمان داشته باشند «آمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ»

### زبان مناسب و صلابت در گفتار

دعوت کننده باید ضمن خوش اخلاقی صلابت و قاطعیت داشته باشد و نباید از هوسهای مردم پیروی کند: «و لا تتبع أهواءهم

نباید دعوت و تبلیغ ما را به مرز ناز کشیدن و باج دادن بکشد؛ چرا که اگر همه مردم زمین کافر شوند، ذره ای در ذات مقدس

الهی اثری ندارد: «إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ .

گاهی افرادی که مردم را به حق دعوت میکنند باید با قدرت موانع سر راه خود را بردارند. در قرآن کریم، نمونه هایی به چشم

می خورد که مردان خدا با قدرت و قاطعیت موانع راه خدا را در هم می شکستند:

این ابراهیم(ع) بود که اول، با سوگند وعده شکستن بت ها را داد: «وَ تَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ . و بعداً به این وعده وفا کرد:

«فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا».

حضرت موسی (ع) گفت: قطعاً گوساله سامری را آتش میزنم و خاکسترش را به دریا می ریزم: «النَّحْرَقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا»

پیامبر (ص)

مسجد ضرار را که با نقشه منافقین برای ایجاد تفرقه بین مسلمین و کمین گاه دشمنان خارجی بود تخریب کرد. بنابراین باید دقت کرد که نرمی در جای خود و خشونت نیز در جای خود لازم است.

در دعای افتتاح میخوانیم خدایا در جایی که جای عفو است، تو ارحم الراحمین هستی و جایی که جای عقوبت و مؤاخذه است تو سخت ترین عقوبت کننده ای: «أَنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَشَدُّ الْمَعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ النَّكَالِ وَالنُّقْمَةِ». اصولاً - باید به مردم هم پیام رحمت و نرمی داد: نبی عبادی اَنَّى أَنَا الْعَفُورُ الرَّحِيمُ و در عین حال باید از اهرم تهدید هم استفاده کرد: «و إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ».

### نکات تکمیلی

دعوت کننده باید از پاسخ دادن به سؤالهایی که جوابش فتنه انگیز است دوری کند قَالَ عَلْمَهَا عِنْدَ رَبِّي . توضیح آنکه فرعون از موسی پرسید نیاکان ما در چه حالند؟ میخواست موسی بگوید آنها منحرف و در دوزخند و با این حرف عواطف مردم را تحریک کرده و مردم را علیه ایشان بشوراند. حضرت موسی هم فرمود: علم نیاکان نزد خداست!

دعوت کننده نباید برخورد دوگانه داشته باشد؛ برای مثال اگر مخاطبش ثروتمند است به او توجه کند: «فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى .

اما اگر مخاطبش فقیر است به او بی اعتنایی کند: «فَأَنْتَ عَنْهُ تَلْهَى .

دعوت کننده نباید زحمات دیگران را نادیده بگیرد؛ بلکه به پیشکسوتان و کار آنها اجر نهد. وَ مِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَ رَحْمَةً».

باید از غلو و افراط جلوگیری کند: «لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ .

مبلغ باید بداند که گاهی برای پیشرفت بیشتر و بهتر کار خود باید از افراد فرهیخته دیگر نیز کمک بگیرد و به طور شریکی کار کند: «وَ أَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي .

البته اگر کسی را نیافت، از تنهایی خسته نشود.

در شیوه تبلیغ، مبلغ و دعوت کننده باید بداند که اگر تبلیغ او بر اساس هوی و هوس نباشد در راه خود هیچ انحرافی نداشته باشد، به منحرفین و افراد بد نام تکیه نکند مخاطب خود را بشناسد با مشکلات او آشنا شود و سلیقه لازم را داشته باشد، توفیق عمیق، سریع و گسترده ای خواهد داشت.

دعوت کننده باید بداند که زحمات او هدر نمی رود و خدا کارش را ضایع نمی کند: «لَا أُضِيعُ عَمَلٍ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى. هَمَّجِنِ هَمَّه جَنْبِنَه هَاى زَمِيْنِ، مَاهِيَانِ دَرِيَا وَ هَر كُوچِك وَ بَزْرِك زَمِيْنِ وَ آسْمَانِ نِيْز بَرَاى اَو اسْتِغْفَارِ مِي كِنْدِنْد: «مُعَلَّمُ الْخَيْرِ يَسْتَعْفِرُ لَهُ دَوَابُّ الْأَرْضِ وَ حَيْتَانُ الْبُحُورِ وَ كُلُّ صَغِيرَةٍ وَ كَبِيرَةٍ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَ سَمَائِهِ».

### فصل چهارم: گام های مهم پیش از دعوت

قبل از شروع به دعوت لازم است که چند گام اساسی نسبت مخاطب برداریم؛ چرا که اینها زیر بنای دعوت به هر کار خیری است. در اینجا به سه گام مهم به صورت مختصر اشاره می کنیم:

#### گام اول: تحکیم مبانی اعتقادی

از قدیم گفته اند از کوزه همان برون تراود که در اوست قرآن نیز مبانی اعتقادی را ریشه اخلاق و رفتار می داند. به عنوان مثال به نمونه های زیر توجه کنید.

قرآن وقتی می خواهد بگوید که برای عزت سراغ غیر خدا نروید ریشه این حرف را این طور بیان می کند: «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا. مِي فَرْمَايِد: قَدْرَتِ پَايِدَارِ رَا قَدْرَتِ الْهِي بَدَانِيْد؛ رِيْشَه اِيْن فِكْر عَقِيْدَه بَه اِيْن آيَه اسْت: «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا . مِي فَرْمَايِد: رِيْشَه تَدْبِيْرِ رَا قَدْرَتِ خُدَا بَدَانِيْد زِيْرَا: «فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا .

به کم فروشان می فرماید: چرا در مال مردم کوتاهی می کنید: «أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ . لِيَوْمٍ عَظِيمٍ.

آری؛ اگر بدانیم که این خانه صاحب و حسابی دارد مبدأ و معادی دارد و تمام هستی و اعضای بدن و فرشتگان و اولیای خدا همه بر کار ما نظاره گر هستند رفتار و گفتارمان را اصلاح خواهیم کرد. لذا در آیات بسیاری از قرآن، قبل از مسأله نماز، خداوند به مسأله ایمان به مبدأ و معاد اشاره کرده است. لقمان هم قبل از توصیه نماز به فرزندش، به مسأله توحید و معاد اشاره می کند.

در خود نماز و در سوره حمد، اول با خدا و صفات او آشنا میشویم (رحمن رحيم رب العالمين مالك يوم الدين) و بعد می گوئیم این چنین خدایی شایسته پرستش و یاری جویی است: اِيَاكَ نَعْبُدُ وَ اِيَّاكَ نَسْتَعِيْن .

همان گونه که رانندگان در مسیر راه اگر بدانند که زیر نظر دوربینهای پلیس هستند حتماً در رانندگی خود بیشتر رعایت خواهند کرد، همین گونه اگر کسی بداند و باور کند که ترک نماز چه عواقب خطرناکی به هنگام مرگ و برزخ و قیامت او خواهد داشت اهل نماز خواهد شد.

اگر باور کنیم که کل هستی در حال سجده (و لِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ)،

تسبیح (يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ) (۳) و قنوت (كُلُّ لَهٗ قَانِتُونَ).

به خود اجازه نخواهیم داد که در این هستی وصله ناهم جنس باشیم.

همان گونه که وقتی میدانیم که همه مردم در کوچه و خیابان با لباس هستند به خود اجازه نخواهیم داد که بدون لباس وارد خیابان شویم.

قرآن به ما می آموزد که قبل از دعوت دیگران به نماز به تقویت اعتقاد به مبدأ و معاد پردازیم قرآن می فرماید اگر می خواهید مردم نسبت به نماز سر سنگین نباشند آنها را با قیامت آشنا کنید و استعینوا بالصبر و الصلوة و إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ \* الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبَّهُمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ .

### گام دوم : شناخت علل سستی و کاهلی نسبت به نماز

برای اینکه دعوت مؤثر و مفیدی داشته باشیم، لازم است علت نماز گریزی و سستی مخاطب خودمان را نسبت به نماز بدانیم تا از همان دریچه به درمان این مشکل و دعوت به نماز پردازیم.

### علل سستی و کاهلی در نماز

#### ۱. عدم شناخت

ما اگر شخصی را نشناسیم نسبت به او برخورد و ادب و تواضع نخواهیم داشت؛ ولی اگر بدانیم که او دانشمندی عزیز و مبتکر و مخترعی است که افتخارات زیادی دارد حتماً نسبت به او علاقمند می شویم.

حال اگر بدانیم :

نماز یعنی خدایی شدن؛

نماز یعنی اتصال بی نهایت کوچک با بی نهایت بزرگ؛

نماز کلید نجات از قهر خداست.

تمام کمالات در نماز نهفته شده و یک کارخانه آدم سازی است؛

آنگاه ممکن نیست که نسبت به نماز کوتاهی کنیم.

پیامبر گرامی اسلام می فرماید: بهترین چیزی که خدا وضع کرده نماز است: «الصَّلَاةُ... خَيْرٌ مَوْضُوعٍ» .

## ۲. تفکیک نکردن مسائل و توقعات نابجا

بعضی فکر می کنند که اگر حکومت اسلامی برقرار شد همه مردم عادل میشوند؛ یا اگر کسی وارد حوزه و دانشگاه شد ، معصوم می شود؛ و یا اگر کسی اهل نماز شد باید در همه چیز برتر باشد. بر اساس این خیال برای آنها سؤالاتی مطرح است. از جمله :

چرا نمازگزاران در صنعت و تکنولوژی عقبند؟

چرا خود را برتر از دیگران می دانند؟

چرا فلان نمازگزار به قول خود وفا نکرد؟

چرا در همسرداری و اقتصاد و سیاست لغزش هایی دارند؟

و این به خاطر آن است که تصور میکنند با خوردن یک میوه باید همه مزه ها را بچشند غافل از آنکه بهره گیری از مزه هایی مختلف نیاز به بهره گیری از میوه های گوناگون دارد.

اگر راننده ای موتور ماشین را تنظیم کرد ولی چرخ ماشینش پنچر باشد این ماشین حرکت نمی کند؛ قرآنی که می فرماید: و اعبدوا .

در کنارش می فرماید: «وَاعْلَمُوا» .

یعنی هم تحصیل و هم عبادت چون اگر کسی عبادت کرد ولی تحصیل نداشت این مانند همین راننده می شود. اسلام صدها دستور برای تحصیل بهداشت اقتصاد معاشرت و سیاست بیان کرده که اگر نمازگزاران از آن دستورات پیروی کنند، جامعه آنان جامعه ای سالم و کامل خواهد شد. بنابراین ضعف مسلمین به خاطر نماز آنان نیست؛ بلکه به خاطر بی اعتنایی به باقی دستورات است. لذا در چند جای قرآن نمازگزار واقعی کسانی معرفی شده اند که شجاع ، وفادار صبور، دلسوز، عقیف اهل انفاق و خمس و زکات باشند.

## ۳. جهل و نادانی



گاهی دلیل سنگینی نماز به خاطر جهل به قرائت نماز احکام نماز آثار نماز اهمیت نماز و عواقب سستی و ترک نماز است که این نقص باید از طریق، والدین مربیان معلمان کتاب ها نوارها حوزه ها کلاسها و صدا و سیما و مساجد، هنرمندان برطرف شود.

#### ۴. تنبلی و تن پروری

گاهی افرادی ایمان دارند ولی به دلیل تنبلی و تن پروری نماز را رها میکنند که این تن پروری در هر کاری عامل رکورد سقوط است. در بعضی از دعاها تن پروری اولین عیب شمرده شده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ .

این تن پروری را میتوان با دوستی با افراد علاقمند و جاذبه های مختلف و حتی با نذر و عهد و قسم و جریمه خود، از بین برد. اگر ما بدانیم تنبلی و تن پروری در رسیدن به هواپیما سبب میشود که ما به مقصد نرسیم، هرگز در راه رسیدن به فرودگاه از خود کسالت نشان نمی دهیم اگر بدانیم تن پروری ما را از برکات زیادی باز می دارد، حتماً به آن کارها اهتمام می ورزیم.

#### حکایت

شخصی را دیدند که با نعره می گوید تو نگذاشتی من به فلان پست برسم.... تو نگذاشتی من به فلان درجه برسم... تو نگذاشتی من به فلان جا و فلان جا برسم.....

در ابتدا خیال کردند که بر سر کسی فریاد میزند؛ ولی وقتی آمدند دیدند نه مخاطبی حاضر است و نه با تلفن صحبت می کند! پرسیدند: این نعره ها را بر سر چه کسی می زنی؟! گفت این نعره ها را بر سر تن پروری و تنبلی خودم می زنم!

#### ۵. احساس ناامیدی

قرآن گناهان را به دو دسته تقسیم کرده کبیره و صغیره و فرموده: «اگر از گناهان کبیره دوری کنید، گناهان صغیره را می بخشیم .

از طرفی هم به گفته روایات اولین گناه کبیره یأس از رحمت خدا می باشد.

افرادی هستند که به خاطر بعضی از گناهان احساس یأس میکنند و با خود میگویند تو که فلان گناه را کردیم دیگر نماز بخوانی یا نخوانی چه فرقی میکند؟ ولی قرآن می فرماید: هرگاه گرفتار گناهی شدید سریع نماز بخوانید تا نماز آثار شوم گناه را برطرف کند.

البته باید این را نیز بدانیم که در روایات یکی از بدترین گناهان ترک نماز معرفی شده است.

#### ۶. بی انگیزگی و طفره رفتن

گاهی افراد در کار خیر عزم و تصمیم ندارند و از انجان طفره می روند قرآن می فرماید که در قیامت دوزخیان به بهشتیان می گویند: به ما نظری کنید تا از نور شما بهره بگیریم: «انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ» .

## ۷. عقده و لجاجت

گاهی بی اعتنایی به نماز به خاطر انتقام گرفتن از والدین و مسئولین و حتی از خداوند است او آرزویی دارد که به آن نرسیده و از سر انتقام نماز را رها میکند غافل از آنکه باید باور کنیم که خداوند مولای حکیم و مهربان ماست و بسیاری از آرزوهای ما برخاسته از هوسها و خیال هاست هر انسانی صدها و هزاران بار پیشمان میشود و این پیشمانی حاکی از آنست که خواسته ها و خیال های ما حکیمانه نیست.

شنیدم که دختری میگفت چون من زیبا نیستم و خواستگار ندارم، پس نماز نمی خوانم!

حضرت امیر (ع) پاسخ این گونه سؤالا و اشکالات را چنین میفرماید که گاهی خداوند یک نعمت را می دهد، ولی در کنارش نعمتی را می گیرد؛ مثلاً:

قد انسان بلند است و همت او کوتاه: «مَادُ الْقَامَةِ قَصِيرُ الْهَمِّ» ؛

فردی بیان روانی دارد ولی سنگ دل است طَلِيقُ اللِّسَانِ حَدِيدُ الْجَنَانِ

خداوند در کنار گشایش تنگنا را قرار داده قَرْنَ بِسَعَتِهَا عَقَابِلَ فَاَقْتَبَهَا ؛

آری در کنار قله ها دره هاست؛ اگر لیمویی را شیرین آفرید بعد از چند ثانیه تلخ میشود؛ ولی اگر لیمویی را ترش آفرید این ترشی سالها ماندگار است ممکن است دختری زیبا باشد و خواستگار داشته باشد ولی عمرش طولانی نباشد و یا مشکلات دیگری برای او وجود داشته باشد.

ممکن است کسی در رشته ای نابغه باشد ولی در رشته های دیگر از متوسط هم ضعیف تر باشد. داروین در دو رشته علوم پزشکی و علوم دینی مسیحیت شکست خورد ولی با تغییر رشته، صاحب نظریه شد.

گاهی افراد از همسر خود ناراحت هستند و از او راضی نیستند؛ قرآن در جواب آنها می فرماید چه بسا از چیزی ناراحت باشید، ولی در آن خیر کثیر به شما داده شود: «فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» .

یا در جای دیگر به صورت قاعده کلی می فرماید چه بسا از چیزی خوشتان نیاید و آن چیز به نفع شما باشد و چیزی را دوست داشته باشید، در حالی که به ضررتان باشد: «عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» .

بنابراین ما باید نسبت به تدبیر خدا تسلیم و بلکه راضی باشیم و بدانیم که اگر در جایی به نظر ما نقص و کمبودی هست همراه با حکمت و لطف از طرف اوست و خداوند مهربان ضعفها را خیلی فوری یا با تأخیر یا با بهره گیری نسل یا بهره گیری در قیامت جبران می فرماید زیرا یکی از اسامی خداوند جبار است؛ یعنی جبران میکند ما نباید به خاطر مسأله ای که آن را نمی پسندیم از محبت و راه خدا و گفتگوی با او از طریق نماز و دعا دست برداریم.

### ۸. خجالت نابجا

بعضی از افراد محیط زده میشوند؛ مثلاً در سفر خارجی و یا بعضی مهمانی های داخلی جرئت اینکه به تنهایی نماز بخوانند را ندارند؛ ولی اگر جمعی نمازگزار پیدا شوند به آنها ملحق می شود.

در حالی که در حدیث میخوانیم مثال کسی که در میان غافلین خدا را یاد کند و مثلاً به تنهایی برای نماز قیام کند مانند درخت سبزی در کویر خشک با ارزش است.

### خاطره

یک بار در کشور اندونزی خانمی را دیدم که ناگهان به ساعت و آسمان نگاه کرد و متوجه شد که نمازش را فراموش کرده است. فوری از کیف خود پارچه ای را بیرون آورد و روی زمین پهن کرد و به نماز ایستاد و به اطراف خود توجه هم نکرد! یکی از اشکالات ما آنست که گاهی حیای نابجا داریم چیزی را نمی دانیم و از پرسیدن خجالت می کشیم؛ مطلبی را نمی دانیم و شهامت گفتن نمی دانم را نداریم؛ کاری را درست میدانیم ولی از انجام آن به خاطر نگاه دیگران می ترسیم.

### ۹. دوستان ناباب

یکی از بسترهای غفلت از نماز دوستان ناباب هستند. قرآن فلسفه نماز را یاد. خدا الصَّلَاةَ لِذِكْرِی بیان میکند و در جای دیگر در مورد دوست ناباب از قول انسان گنهکار میفرماید او مرا از یاد خدا گمراه کرد: «لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ .

### ۱۰. تحریفات و تبلیغات ضددینی

امروز اگر هزاران فرمول علمی در آمریکا و غرب وجود داشته باشد یکی از آنها را برای ما از طریق ماهواره ها ارسال نمی کنند. ولی دنیای فاسد غرب حاضر است برای انحراف نسل نو انواع فیلم های مخرب را ارسال کند اگر کسی یک لحظه توجه کند دشمنی دنیا را با اسلام و نسل مؤمن به روشنی درک میکند آنها نسبت به آنچه مربوط به رشد علمی است، بخل می کنند ولی نسبت به آنچه مایه غفلت مردم است سرمایه گذاری می کنند.

مستکبران در گذشته نیز با تمسخر و به بازی گرفتن دین و نماز سعی در گمراه کردن مردم داشتند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَ لَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ ، وَ الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ \* وَ إِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُؤًا وَ لَعِبًا .

### گام سوم : پاسخ به سؤالات و شبهات

از گام های دیگری که لازم است قبل از دعوت مخاطب به نماز برداریم پاسخ به سؤالات و شبهات می باشد.

برای هر انسانی انواع شبهات وجود دارد؛ به ویژه در این زمانه که انواع سایتها و ماهواره ها با ابزار هنری و بودجه های سرسام آور با کینه ای که از اسلام دارند برای تضعیف عقاید و افکار مردم متحد شده اند.

در این عصر مسجد باید از اکتفا کردن به نماز جماعت خارج شود و دانشمندان مؤمن هر منطقه مسجد را قلعه حفاظتی افکار نسل نو قرار دهند تا هر شبهه ای که به ذهن کسی آمد با شرکت در مسجد بتوانند شبهه خود را برطرف کنند. در این صورت، مسجد یک مرکز فرهنگی نجات دهنده آرام بخش و سپری در برابر شبهات خواهد بود.

بدیهی است که این امور تنها به وسیله امام جماعت خادم و هیئت امانا حل نمی شود؛ بلکه باید تمام دستگاه های فرهنگی مانند دانشگاه آموزش و پرورش ، اوقاف ، ارشاد سازمان تبلیغات دفتر تبلیغات امور مساجد صدا و سیما، ائمه جمعه، فرمانداران و استانداران تدبیری بیاندیشند. ابتدا خود امامان جماعت مساجد باید شبهات و پاسخها را از افراد دانشمند فرا گیرند تا بتوانند در مسجد به وظیفه خود عمل کنند هزینه های این برنامه ها را هم دولت و مردم و سازمان های فرهنگی باید مخلصانه تأمین کنند.

به راستی مساجد با سابقه بسیار طولانی و کاربرد بسیار قوی - که نمونه آن را در بسیج مردم از مساجد به جبهه ها، گرفتن آراء مردم به هنگام انتخابات و کمک رسانی به سیل زده ها و زلزله زده ها مشاهده کرده ایم - میتوانند با یک مدیریت قوی و ارتباط مسجد با تک تک خانه ها همه نوع شبهات فکری، علمی و اخلاقی به ویژه سؤالات و چراهایی که نسبت به نماز وجود دارد را پاسخ دهد.

### فصل پنجم : شیوه ها و روش های دعوت به نماز

برای ورود به هر کاری لازم است با شیوه ها و روشهای ورود به آن آشنا شویم تا هم زود به مقصد برسیم و هم درست به نتیجه مطلوب دست بیابیم دعوت به نماز نیز کاری است که از شیوه ها و روشهای خاصی برخوردار است که مهمترین آنها عبارتند از:

#### ۱. برانگیختن احساسات با شمارش نعمت ها

اولین مایه برای دعوت به نماز استفاده از احساسات و فطرت است در انسان احساساتی وجود دارد که اگر بیدار شوند، انسان به سمت تشکر از خدا می رود. ما نیز باید این سرمایه احساس و وجدان را زنده نگه داریم و هر جا غبار غفلت روی آن را گرفت، با تذکر و موعظه آن را برطرف کنیم.

بهترین راه برای زنده کردن احساسات انسانها نسبت به خدا توجه به نعمت هاست؛ همان گونه که این پیرمرد جوانش را با بیان محبت های گذشته خود بر سر شور و شعور آورد و وجدان خفته او را بیدار کرد.

ما برای اینکه رابطه خود را با خدا تقویت کنیم باید با نعمتهای خدا را بازگو کنیم؛ نعمتهای پیدا مثل زمین آسمان گیاه، باران خورشید، ماه، دریا، عقل علم چشم گوش قلب و همچنین با توجه دادن به نعمت های ناپیدا مثل نعمت حکمت و هدایت گرایش به خوبیها تنفر از بدیها دوست داشتن اولیای خدا تنفر از ستمگران، وجود انگیزه و علاقه نسبت به کارهای خیر وجود رهبران معصوم از یک سو و ضمناً تداوم این نعمتها از سوی دیگر. اینها توجه و معرفت انسان را نسبت به خدا معطوف و محبت خدا و اطاعت از خدا را در انسان شکوفا می کند.

#### تلخی ها هم خود نعمت هستند

باید دانست که بسیاری از تلخیها و ناگواریها که در ظاهر عذاب به حساب می آیند در باطن نعمت هستند؛ زیرا انسان را از خواب غفلت بیدار میکنند و قدر نعمتها را به او می چشانند؛ مثلاً اگر مقداری از جاده خراب باشد، همین که به جاده آسفالت برسیم قدر آن را بهتر می شناسیم.

#### فلسفه سختی ها و تلخی ها

وجود سختی ها و تلخی ها دلایل و فوایدی دارد که برخی از آنها عبارتند از:

- غرور و غفلتی که بر اثر رفاه به وجود آمده را از بین می برد؛

- قدر نعمت ها بیشتر و بهتر شناخته میشود و حس شکرگزاری بیدار میشود. اگر بخواهیم قدر نعمت ها را بهتر بشناسیم باید در ذهن خود نبود آنها را تجسم کنیم به این مثال ها توجه کنید

رابطه انسان را با خدا زیاد می کند؛

وجدان مردم را بیدار و حس تعاون را در آنها شکوفا می کند؛

انسان را به فکر چاره جویی می اندازد و هزاران اختراع و ابتکار در همین چاره جویی به دست می آید؛

عقل و تجربه انسان را بالا می برد؛

کفاره لغزش ها و گناهان انسان می شود؛

قدر حافظه زمانی معلوم میشود که انسان حافظه خود را از دست بدهد؛ تا آنجا که حتی اسم خودش را فراموش کند.

اگر حرکت زمین به دور خود متوقف شود برای بخشی از مردم روز همیشگی است و برای بخشی دیگر شب؛ و این زندگی برای هر دو گروه طاقت فرسا خواهد شد؛

اگر آب به عمق زمین فرو برود انسان بیچاره خواهد شد؛

اگر فاصله خورشید با ما چند کیلومتر نزدیکتر یا دورتر میشد یا بر اثر حرارت می سوختیم و یا بر اثر سرما یخ می زدیم؛

اگر گیاهان دی اکسید کربن هوا را به اکسیژن تبدیل نمی کردند تنفس برای ما مشکل می شد؛

اگر خواب ما همراه با غلتیدن نبود یک شبه همه مردم نیمه فلج می شدند؛

اگر آب دهان ما تلخ بود یا به اندازه کافی تولید نمی شد زندگی و صحبت سخت می شد؛

اگر ابرو نداشتیم نور خورشید چشم را از بین می برد؛

اگر اشک ما شور نبود و یا چشم ما در گودی قرار نمی گرفت برای چشم ما مشکلات بسیاری به وجود می آمد؛

اگر نوزاد مکیدن بلد نبود همه نوزادان از گرسنگی می مردند؛

اگر کمی پوست اضافه روی انگشتان نبود قدرت خم کردن آنها را نداشتیم و کاری نمی شد کرد؛

اگر دندانها به صورت جدا نمی بود وارد شدن آسیب به گوشه ای از دندان تمام فک و لثه را از بین می برد؛

اگر بیست سال همه فرزندان فقط دختر یا پسر باشند نظام زندگی در دنیا فلج می شد؛

اگر ترمیم سلول ها در ساختمان بدن نبود بدن ما پس از یک صدمه و بیماری از بین می رفت؛ همین که خونی از بدن خارج می شود بدن خونسازی میکند و کمبود آن را جبران می نماید.

سعدی می گوید: هر نفسی که فرو میرود ممد حیات است و چون بر می آید مفرح ذات؛ پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمت شکری واجب از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به در آید؟

اما امام صادق فراتر از آن می فرماید در هر نفسی هزاران نعمت است و نه دو نعمت؛ چرا که در هر نفسی کوسه ها و نهنگ های اقیانوسها و دریاها هم سهم دارند؛ زیرا هر روز میلیونها حیوان دریایی می میرند و کوسه ها و نهنگ ها آنها را می خورند. اگر این کار نبود حیوانات مرده آب دریا را بدمی میکردند و اگر آب دریا بد بو می شد، تنفس برای انسان مشکل بود.

خداوند زمین را آنگونه آفرید که یک دانه میگیرد و یک خوشه پس می دهد؛

باران را آنگونه آفرید که تمام اندام درختان را شستشو و آنها هم هوا را تصفیه میکنند؛ افزون بر آنکه همین آب در زمین ذخیره می ماند؛

تنها بحثی که هیچ گاه و برای هیچ کس تمام شدنی نیست یاد نعمتهای خداوند است و بهترین راه دعوت به نماز، توجه به خداوند و نعمت های اوست.

اگر انسان به یاد خدا و نعمتهای او باشد از بی اعتنائی غفلت و ترک نماز خود شرمنده میشود. اگر فرزندی نسبت به والدین بی اعتنا باشد بهترین راه آن است که خدمات والدین به او گوشزد شود؛ چرا که یاد خدمات فرزند را شرمنده می کند و به اطاعت از پدر و مادر وا میدارد؛ همان طور که آن پیرمرد در آن بوستان فرزند متکبر خود را با یادآوری محبت خود به کرنش واداشت.

خلاصه آنکه قرآن دلیل سنگینی نماز برای بعضی را نداشتن خشوع می داند: «وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ».

قرآن خود در این زمینه آیات فراوانی دارد که به چند نمونه اشاره می شود :

«أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ .

آیا شما از قطره آب پست نیافریدم؟

لَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ \* وَ لِسَانًا وَ شَفَتَيْنِ

آیا برای شما دو چشم و دو لب و یک زبان قرار ندادم؟

أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكذِّبُونَ»؛

آیا برای هدایت شما پیامبر و تذکرات آسمانی نفرستادم؟

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ .

آیا خطاهای شما را از طریق تو به نپذیرفتم؟

آری؛ اگر یک هزارم از اشتباهاتی را که خدا از ما سراغ دارد دیگران خبر داشتند چه رسوایی هایی را که برای ما ایجاد نمیکردند ولی خداوند عذر و توبه ما را می پذیرد و حتی توبه کنندگان را دوست دارد.



خلاصه اینکه بهترین راه برای دعوت به نماز استفاده از احساسات انسان است. هر انسانی همین که محبت خدا و لطف او و نعمت های خدا را احساس کند در برابر خداوند نرم و خاشع می گردد.

## ۲. احساس نیاز

انسان اگر نیاز خود را به چیزی احساس کند به سراغش می رود ما چون به نور احساس نیاز داشتیم، به سراغ تولید برق رفتیم؛ چون به سلامتی نیاز داریم به سراغ پزشک و دارو میرویم؛ چون به آب نان همسر و اتومبیل نیاز داریم به سراغ آنها می رویم اما آیا ما نسبت به خدا احساس نیاز نداریم!؟

قرآن در این باره می فرماید آنگاه که در کشتی گرفتار موج شدید خالصانه خدا را می خوانید؛ ولی همین که کشتی به ساحل نشست و احساس نیاز شما تمام شد آن ناله های خالصانه فراموش میشود: «فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِّ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ».

انسان در دعوت به نماز باید توجه مخاطب را به نیاز انسان به خدا ایمان و توکل به او پناه بردن به خدا امید به او یاری طلبیدن از او و گفتگو با جلب کند انسانی که هنگام تولد قدرت دور کردن مگس را از صورت خود ندارد، ممکن است در یک لحظه همه اطلاعات خود را فراموش کند؛ ممکن است در کمتر از چشم به هم زدنی زندگی خود را از دست بدهد؛ او که با یک نفس کشیدن مرگ و حیاتش رقم می خورد به تکیه بر یک قدرت بی نهایت و اتصال قلبی و زبانی و عملی به او نیاز دائم دارد.

برخی از ضعف های انسان

انسان علاوه بر ضعفهای هنگام تولد در اوج قدرت و جوانی هم غرق در ضعف و نیاز است؛ نیاز به اکسیژن، خورشید، ماه، باران و.....

در کنار این نیازها نیازهای آینده و بی خبری از سرنوشت نیاز به تشخیص حق از راه عقل و فطرت و وحی نیاز به توفیق حرکت در راه حق نیاز به در امان بودن از همه خطرهای آسمانی گرفته تا زلزله زمین طغیان دریاها و.....

قرآن می فرماید: «أَأَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبَةً بَأْسًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرٍ» ؛

آیا خود را از (قهَر) کسی که در آسمان است ایمن می دانید؟ از اینکه شما را در زمین فرو برد؛ پس ناگاه زمین به لرزه افتد؛ یا از (قهَر) کسی که در آسمان است، ایمن شده اید؟ از اینکه تندبادی از سنگریزه بر شما فرو فرستد؛ پس به زودی خواهید دانست که بیم دادن من چگونه است.

ما هر چه به درون خود و عملکرد اعضای بدن توجه میکنیم میبینیم که هزاران شرایط باید فراهم شود تا بتوانیم نفس بکشیم و در جریان خون، قلب کلیه معده یا اعصاب چشم گوش ریه سلولها و گلبولها هر کدام باید دقیقاً به کار خود مشغول باشد؛ آن چنانکه تغییر یکی از این شرایط و جابه جایی یکی از سلولها و گلبولها و لحظه ای توقف خون در رگها همه چیز ما را به باد خواهد داد.

و تنها یاد خداست که در مقابل این همه حوادث پیچیده و نیازهای فراوان به انسان آرامش میدهد قدرت ثروت حکومت علم، حزب فامیل و تدبیر کار ایمان و اتصال به خدا را انجام نمی دهد و چون انسان از این حقیقت غافل است، خداوند متعال در قرآن با عبارت «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ .

به او هشدار می دهد که آرامش فقط با یاد خدا حاصل می شود.

اگر بدانیم که آتش بدون اراده او نمی سوزاند چنانچه ابراهیم را نسوزاند؛

اگر بدانیم با اراده او و حتی بدون ازدواج و داشتن شوهر زنی بچه دار می شود، همانند مریم؛

اگر بدانیم از پیرمردی به نام با داشتن همسری نازا آن هم در کهولت نوزادی به نام متولد می شود، چنانچه از زکریا و همسرش یحیی متولد شد؛

اگر بدانیم به اراده خدا عصای موسی که به دریا خورد آب سفت میشود و همین عصا که به سنگ خورد، از سنگ آب می آید؛ اگر بدانیم تمام تکیه گاه ها در زمانی کارایی خودش را از دست می دهد که :

نه اسبابی در کار است: «تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَشْبَابُ

نه انسابی در کار است: «فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ

نه دوستی سراغ دوست را می گیرد و لا یشکل خمیم خمیما

نه مالی و نه فرزندی کارایی دارد: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا يَنْفَعُ

نه عذرخواهی سودی دارد: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعذِرَتُهُمْ

و نه روابط اجتماعی مفید هستند: «يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ.

اگر بدانیم روزگاری داریم که تمام وجود ما را پشیمانی حسرت و ندامت میگیرد و با تمام وجود می گوییم :

سلطنت من نابود شد: «هَلْكَ عَنِّي سُلْطَانِيهِ ؛

مال من هدر رفت: «ما أَعْنَى عَنِّي مَالِيه ؛

و این همه سرمایه ها را هدر دادم: «أَهْلَكْتُ مَالاً لِبَدَأْ ؛

اگر بدانیم غفلت، انسان را از چارپایان هم پست تر قرار میدهد: «أَوْلَيْكَ كَالْإِنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أَوْلَيْكَ هُمْ الْعَافِلُونَ .

قطعاً به گونه ای دیگر عمل و رفتار خواهیم کرد. به هر حال چگونه میتوان کسی که خود غافل است، به دیگران تذکر دهد. واقعیت این است که اگر لطف خداوند متعال نباشد همه ما در همه چیز باخته ایم.

در این میان نماز ساده ترین راه آشتی با خدا و خارج شدن از غفلت و توجه به عجزها و نیازهاست با نماز می توان از راهی ساده، ارزان، دائمی پرمحتوا با سابقه ای از آدم تا خاتم و به وسیله چند واژه خالصانه در هر مکان و هر زمانی با او پیوند برقرار کرد.

اگر انسان بداند که برای سقوط او چه چیزهایی در کمین است از قبیل هوسها وسوسه ها شیطانها حسادت ها و خطرها به سراغ قدرتی بی پایان می رود؛

قرآن تکیه بر غیر خدا را تکیه بر تار عنکبوت می داند و همچنین می فرماید همه قدرت ها توانایی آفریدن یک مگس را ندارند و اگر مگسی چیزی از آنها را بر باید حتی ابر قدرت ها هم نمی توانند آن را از دهانش باز پس بگیرند.

کوتاه سخن آنکه توجه به ضعفها و نیازها انسان را با خداوند گره می زند؛ زیرا اوست که به هنگام بیماری مرا شفا می دهد: «وَ إِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ؛

گرسنگی و تشنگی ام را برطرف می سازد: «وَ الَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَ يَسْقِينِ ؛

آینده من نیز وابسته به اوست.

### ۳. تشکر از صاحب نعمت

هر عقل و وجدان سالمی تشکر از ولی نعمت را واجب و لازم و بی اعتنایی به منعم را بی ادبی می داند. انسان به همین دلیل عقلی و فطری باید از خداوند تشکر کند و بهترین نوع تشکر اطاعت از دستورات اوست خداوند نیز ده ها بار با صراحت به اقامه نماز دستور می دهد.

در آغاز قرآن می خوانیم: پروردگارتان را عبادت کنید چون شما و نیاکانتان را آفرید «بِأَنَّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ .

و در اواخر قرآن نیز می خوانیم باید مردم پروردگار این کعبه را بندگی کنند چون آنان را از دلهره و گرسنگی نجات داد: فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ \* الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ .

قرآن در آیات متعددی اشاره دارد که نماز بهترین تشکر از خداست و گفتیم که تشکر صاحب نعمت مسأله ای عقلی، فطری و وحیانی است. امثال این آیات دلیل و انگیزه نماز را تشکر از خدا میداند و شاید بتوان گفت این کلاس اول نماز آموزی است. مانند آنچه به کودک میگوییم که پدر و مادر خوبند چون برایت لباس، شیرینی و چیزهای دیگر می خرند. چون کودک جز خوراک و پوشاک و لذت چیز دیگری را نمی فهمد.

از سوی دیگر، تشکر از خدا آثاری را در پی دارد. مهمترین این آثار این است که انسان شاکر در دام شیطان قرار نمی گیرد؛ زیرا شیطان به خدا گفت: «تُمْ لَاتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ أَيْمَانِهِمْ وَ عَنْ شَمَائِلِهِمْ وَ لَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ . سپس از روبرو و از پشت سر و از راست و چپشان بر آنان می تازم و بیشتر آنان را سپاسگزار نخواهی یافت.

#### ۴. توجه به عبادت نظام آفرینش

اگر انسان باور کند که در یک مراسم عروسی همه شرکت کنندگان هدایایی در دست خواهند داشت و او دست خالی است احساس شرمندگی می کند؛

اگر کسی وارد مجلس شود و همه به احترام او برخیزند کسی که نشسته و حرکتی نمی کند احساس بدی در خود پیدا می کند؛ اگر هنگام نماز همه مردم خیابان و بازار به سمت مسجد بروند کسی که به مسجد نپیرود خود را عقب افتاده احساس می کند؛

قرآن در آیات بسیاری می فرماید همواره کل هستی در حال تسبیح خدا بوده اند: سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ . و برای همیشه هم این تسبیح جاری است: «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ».

در آیه دیگر می فرماید: کل نظام هستی برای خدا کرنش و تعظیم می کند: «كُلُّ لَّهُ قَائِمُونَ».

#### ۵. بیان آثار و برکات نماز

آشنایی با آثار نماز یکی دیگر از عوامل دعوت به نماز است. قرآن و روایات برای نماز آثار و برکات زیادی را بیان می کنند که برخی از آنها عبارتند از:

#### الف) نماز عامل رشد انسان

نماز رشد دهنده، یعنی نمازی که کارخانه آدم سازی است. شاید آیه «أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ . اشاره به همین نماز باشد.

چون فضای نماز فضای تربیتی است - مانند دریا که حیوانات درون آن بدون معلم و مربی همه شنا بلدند - اگر انسان واقعاً اهل نماز شد خود به خود همه عیبهها و نواقصش برطرف میشود.

کسی که اهل نماز است باید زمین، زمان فضا، لباس مرکب مسکن آب و خاک او صد در صد حلال باشد؛

کسی که اهل نماز است باید برای قبولی نمازش هم از غذای حرام دوری کند و هم زکات مالش را بپردازد و از آزار همسر و فرزند و دیگران نیز دوری کند؛

کسی که اهل نماز است برای پاداش بیشتر و درک کمالات، نماز حتماً از عطر و مسواک و شانه از مسجد و جماعت بهره می گیرد؛

کسی که اهل نماز است به مسجد میرود و حضور در اجتماع او را از تک روی و انزوا نجات میدهد؛ او را انتخاب گر می... کند، چون باید امام جماعت عادل را انتخاب کند نماز فرد نمازخوان را به اطاعت و اداری میکند، زیرا باید پیش از امام جماعت، هیچ حرکتی انجام ندهد.

به راستی در نماز مهندسی عجیبی شده است

از مسح سر و پا میفهمیم که باید سر تا پا «نمازی شویم؛

از آدم تا خاتم همه پیامبران، منادی نماز بودند؛

از زایشگاه تا قبرستان از باران نداشتن ابرهای آسمان تا زلزله زمین از عید و شادی تا غم و اندوه، مسأله نماز به گونه ای مطرح می شود؛

توجه به این نکات از انسان رها یک انسان مخلص متعهد کامل و استاندارد میسازد و این نماز نماز رشد است و معنای آیه شریفه که نماز انسان را از گناه فحشا و منکر باز می دارد نیز همین است.

**ب) نماز وسیله انس با خداوند متعال**

خداوند متعال به موسی می فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي (۱) تو که موسی هستی باید نمازت برای یاد من و انس با من باشد (نه برای اینکه به تو غذا دادم یا اینکه تو را امان دادم و نه برای اینکه نماز تو را از فحشاء و منکر باز میدارد؛ چون موسی اهل فحشا و منکر نبود و یاد نان و امنیت برای موسی (ع) در شأن خداوند متعال نیست).

### ج) نماز وسیله قرب به خدا

نمازی به پیامبر اسلام سفارش میشود که گاهی به ایشان می فرماید نماز شب تو سبب دریافت مقام محمود است: و من اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا .

نماز تو سبب پیدایش یقین است: «وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ .

در جایی دیگر نیز می فرماید راه قرب به خدا سجده توست آیه آخر سوره علق که تلاوت آن سجده واجب دارد.

بنابراین در قرآن چهار نوع عبادت وجود دارد که از عبادت به دلیل تشکر شروع میشود سپس عبادتی که سبب رشد است و در مرحله بالاتر عبادتی که انس را ایجاد میکند و بالاترین مرتبه عبادتی که سبب قرب است. در این میان باید خود را با اولین مرحله و ساده ترین عبادتها که نماز شکر است بسنجیم و به تقصیر و قصور خود اعتراف کنیم. در روایت نیز داریم که نماز وسیله قرب و نزدیکی به خداست: «الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقَى .

### نگاهی کوتاه به دیگر آثار و برکات نماز

نماز، سبب غفلت زدایی است: «تَعَبَّدُوا بِالصَّلَاةِ وَ ذَكَرِ اللّٰهَ لِكَيْلَا يَغْفُلُوا عَنْهُ فَيَنْسُوهُ فَيَدْرُسَ ذِكْرَهُ ؛ با انجام افعال نماز، خدا را عبادت کرده و او را یاد می نمایند و بدین ترتیب از آن حضرت غافل نشده و فراموشش نمی کنند و در نتیجه ذکرش مندرس و کهنه نمی گردد.

نماز، رمز همراهی خداوند با انسان است: «قَالَ اللّٰهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ

نماز، عامل عفو گناهان است: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ؛

نماز، سبب آسان مردن است. پیامبر اکرم در این باره فرمودند: «مَا مِنْ عَبْدٍ أَهْتَمَّ بِمَوَاقِيتِ الصَّلَمَاءِ وَ مَوَاضِعِ الشَّمْسِ إِلَّا ضَمِنْتُ لَهُ الرُّوحَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ انْقِطَاعِ الْهَمُومِ وَ الْأُحْزَانِ وَ النَّجَاءَ مِنَ النَّارِ»؛

بنده ای نیست که به نماز اهتمام داشته باشد مگر اینکه من برای او ضامن میشوم که لحظه مرگ غم و غصه ها را از او دور کند و به راحتی جان دهد و از آتش نجات یابد.

نماز راه رسیدن به دین است؛ رضایت خداوند در نماز است؛ پیروی از راه انبیاست؛ محبوبیت نزد فرشتگان است؛ مایه هدایت و ایمان است؛ در نماز نور معرفت شناخت برکت در رزق راحتی بدن تنفر شیطان اسلحه ای در برابر کافران و سبب استجاب دعا و پذیرش اعمال توشه آخرت شفیع انسان مونس، قبر جواب منکر و نکیر است و تاجی است در قیامت بر سر نماز گزار؛ لباسی است بر بدنش و حجابی میان او و آتش است و حجتی میان خدا و اوست؛ وسیله عبور از صراط و کلید بهشت و مهریه حورالعین و بهای بهشت است نماز نردبانی برای رسیدن به مقامات بلند معنوی است؛ زیرا مجموعه ای از تسبیح تهلیل حمد تکبیر، تمجید، تقدیس کلام و دعاست.

همچنین در حدیث دیگری میخوانیم که نماز سبب نزول رحمت استغفار فرشتگان برای انسان عزت مؤمنین، کفاره گناهان آبادی مساجد، قبولی گواهی در محاکم هیبتی در برابر فاجران تواضعی در انسان و یک زینت معنوی برای شهر و با حضور مردم در مسجد و دید و بازدید و تفقد از حال یکدیگر و اعتماد به یکدیگر و بندگی برای خدا و مایه سروری برای مؤمنین است.

### مفهوم یاری گرفتن از نماز

قرآن می فرماید که نماز وسیله ای برای حل مشکلات است: «وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ».

انسان به دلیل کمبودها و ضعف علمی جسمی فکری و با توجه به حوادث پیش بینی شده و نشده به یک پناهگاه نیاز دارد و باید به منبعی متصل شود. قرآن به پیامبر می فرماید چون گرفتاریت در روز زیاد است سحرها به دو منبع انرژی وصل شو: یکی تهجد و نماز شب که تو را مقاوم میکند (إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلاً).

و دیگری تلاوت قرآن

همچنین در قرآن کریم میخوانیم از صبر و نماز در برابر همه مشکلات کمک بگیرید نماز با توجه، انسان را به یاد قدرت بی پایان خدا می اندازد و همه قدرت ها را هر چه باشد به جز او کوچک جلوه می دهد. مهر او را در دل زیاد می کند و روحیه توکل را تقویت می نماید و انسان را از وابستگی های مادی می رها کند همه این آثار انسان را در برابر مشکلات مقاوم می کند. بنابر روایات حضرت رسول (ص) هرگاه مسأله مهمی برایش رخ میداد به نماز می ایستاد و این آیه را تلاوت می کرد و استعینوا بالصبر والصلوة .

امیر المومنین (ع) در اوصاف متقین می فرماید: عَظْمُ الْخَالِقِ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ ؛

کسی که خالق در نظرش بزرگ باشد همه چیز دیگر در نزد او کوچک است.



ساحرانی که برای رسوا کردن موسی از مناطق مختلف به مرکز آمده بودند از فرعون تقاضای پاداش داشتند، ولی همین که معجزه موسی را دیدند و ایمان آوردند با اینکه بزرگترین تهدیدها را شنیدند به فرعون تهدیدها و امکاناتش لبخند زدند و گفتند: دستور بده ما را بکشند!

الله اکبر برای انسان در یک لحظه یک سکه بزرگ است و تقاضای پاداش میکند و همان انسان یک لحظه بعد به فرعون می گوید دنیا که چیزی نیست و به دنیا و همه حکومت با نگاه حقارت می نگرند.

این معجزه اتصال به خداست و بهترین جای اتصال به خدا «نماز» است.

## ۶. توجه به خطرهای ناشی از سهل انگاری و ترک نماز

در هر دعوتی تشویق و هشدار هر دو نقش مهمی دارند در آیات و روایات پادشاهای فراوانی برای نماز بیان شده و همچنین عقوبتها و کیفرهای سختی برای ترک کنندگان کاهلین و ضایع کنندگان نماز بیان شده است.

در روایات می خوانیم کسی که نماز را عمداً رها کند کفر ورزیده است و از دایره حمایت های الهی و رسول خدا محروم می شود: «مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ بَرِيَ مِنْ ذِمَّةِ اللَّهِ وَ ذِمَّةِ رَسُولِ اللَّهِ».

نمونه هایی از مذمت های قرآن

برخی نماز و اذان را مسخره میکنند: «وَ إِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا»؛

برخی دیگران را از نماز نهی میکنند: «أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى . عَبْدًا إِذَا صَلَّى .

برخی نماز را ضایع می کنند: «أَضَاعُوا الصَّلَاةَ»؛

برخی به نماز بی توجه هستند؛ گاهی می خوانند و گاهی نمی خوانند: «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ».

برخی با کسالت نماز می خوانند: «قاموا كسالى» .

برخی چهره نماز را تغییر می دهند: « وَ مَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَ تَصْدِيهً .

برخی به طور کلی نماز نمی خوانند: «فَلَا صَدَقَ وَ لَا صَلَّى .

برخی مراکز نماز را می بندند: «وَ مَنْ أَظْلَمَ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ .

برخی برای مراکز حق رقیب سازی میکنند: «وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضَرَارًا»؛

برخی به جای دعوت به نماز فرزندان خود را از دین مراکز دینی و نماز باز می دارند .....

به راستی جای شرمندگی است که تمام هستی همه وجود خود و تمام نعمت‌ها از خدا باشد و ما با زبان خود، با هر کس گفتگو کنیم اما از گفتگو با خداوند متعال آن هم چند دقیقه در نماز محروم باشیم!

بنابر روایات خداوند متعال به انسان می‌فرماید که تو انصاف نداری ما انصیر نفت خداوند در قرآن هم می‌فرماید: من نهایت رأفت و محبت را در حق انسان روا داشتم إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ .

ولی انسان در مقابل نهایت ناسپاسی را روا داشته است (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ) .

شاید تمام نمازهای شبانه روزی ما به نیم ساعت نرسد در حالی که در ۲۴ ساعت از شبانه روز ۴۸ نیم ساعت وجود دارد. آیا انصاف است که ۲٪ از وقتمان را صرف آفریدگار خود نکنیم با اینکه ۹۸٪ عمرمان را با غیر او سپری می‌کنیم؟؟

مصادیق استخفاف و بی‌اهمیتی به نماز

بعضی نماز را نمی‌شناسند؛

بعضی آن را بلد نیستند؛

بعضی شرایط صحیح بودن آن را نمی‌دانند؛

بعضی شرایط قبول شدن نماز را نمی‌دانند؛

بعضی شرایط کمال آن را نمی‌دانند؛

بعضی نماز را در اول وقت نمی‌خوانند؛

بعضی نسبت به نماز فرزندانشان توصیه‌ای ندارند؛

بعضی نسبت به صدای اذان بی‌اعتنا هستند؛

بعضی با عجله می‌خوانند که سجده آنان در روایات به نوک زدن کلاغ تشبیه شده است؛

بعضی هر چیز دیگر را بر نماز ترجیح می‌دهند (ورزش فیلم غذا خوردن، گفتگو، عروسی و...)

بعضی اگر در ماشینی نشسته باشند و وسیله‌ای از او به بیرون پرت شود فریاد می‌زند تا ماشین را متوقف کنند؛ ولی اگر وقت

نماز برسد هیچ‌گونه تحرکی از خود نشان نمی‌دهد!

چه بسیار نمازهایی که به خاطر عروسی‌ها یا عزا‌داریها یا رها می‌شود یا به آخر وقت موکول می‌شود.

چه بسیار شهرک هایی که همه امکانات در آن وجود دارد جز مسجد.

چه بسیار روحانیانی که پستهای اداری و رسمی آنان را از امام جماعت شدن محروم کرده است!

چه بسیار مساجدی که دربشان بسته و متروکه شده اند و در آن اقامه نماز جماعت نمی شود.

چه بسیار موقوفاتی که برای نماز و مسجد است و در جای خود هزینه نمیشود.

چه بسیار هیئت امنایی که کارایی لازم را ندارند.

چه بسیار مساجدی که امام جماعت جامع الشرایط ندارند!

چه بسیار پروازهایی که از مبدا تا مقصد برنامه ریزی برای مراعات وقت نماز در آنها صورت نمی گیرد.

چه بسیار مراکز اجتماع مردم که نمازخانه ای در شأن آنها ندارند!

تمام این موارد مصادیق استخفاف نماز است و کسانی که مرتکب این استخفاف شده اند و بودجه های فرهنگی را در قالب های دیگری هزینه میکنند باید در پیشگاه خداوند متعال پاسخ گو باشند.

## ۷. توجه به سابقه تاریخی نماز

همیشه و در همه جای دنیا برای میراث فرهنگی و سوابق تاریخی و حفظ آثار قدما ارزش خاصی قائلند و آن را در موزه ها و در جایگاههای خاص قرار میدهند؛ حتی اگر یک ظرف سفالی شکسته باشد که سابقه تاریخی زیادی دارا باشد. حال چطور است که به یک ارزش معنوی ارتباط با خدا که تاریخ آن همراه با تاریخ بشر است اهمیتی داده نمی شود!؟

- صدها سال پیش از اسلام خداوند به حضرت عیسی (ع) نماز را سفارش کرده است: «أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ»؛

- قبل از حضرت عیسی به حضرت موسی (ع) فرمود: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»؛

قبل از حضرت موسی حضرت شعیب و قبل از شعیب حضرت ابراهیم (ع) نماز داشته اند؛

- خداوند درباره پیامبران (ع) می فرماید: «أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فَعَلِ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ»؛

ما به آنان انجام کارهای خیر و اقامه نماز را وحی کردیم در این آیه با اینکه نماز جزئی از کارهای خیر است، ولی به دلیل اهمیت نام آن جداگانه برده شده است؛

لقمان به فرزندش درباره نماز سفارش کرده است؛

## ۸. توجه به همراهی نماز با کمالات دیگر

در غذای جسمی اگر ادویه مخلفات، ترشی شیرینی یا زعفران به آن اضافه شود غذا را لذیذتر می کند و اشتها را بیشتر تحریک میکند؛ مانند وعده های که خطاب به بهشتیان می فرماید آب آنجا با عطر زنجبیل آمیخته است: «کان مزاجها زنجبیل و در آیه دیگر می فرماید: «ختامه مشک»؛

اگر برخی نوشیدنی یا غذاهای دنیا هنگام مصرف یا پس از آن با نوعی تندگی تلخی و بدمزگی همراه است، اهل بهشت پس از مصرف نوشیدنیهای بهشتی احساس عطر و بوی خوشی دارند و اگر مهر و موم غذاهای دنیوی با چیزهای دیگری است مهر و موم آنجا با مواد معطر و خوش بو است.

دعوت عملی به نماز زمانی است که جامعیت آن مورد لحاظ و در کنار کمالات دیگر قرار گیرد نماز اگر همراه با خوش زبانی، صداقت، وفای به عهد نظافت، تحصیل ادب کمک به دیگران مشورت نشاط و زیبایی مطرح شود، این نماز همه دل های پاک را به خود جذب میکند؛ اما اگر نماز از اخلاق، تحصیل ادب و کمک به فقیران جدا شود.

در اسلام به ما سفارش شده اگر میخواهید دیگران را دعوت کنید با عمل دعوت کنید نه با زبان: «كُونُوا دُعَاءَ النَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ .

نماز در اسلام با بسیاری مسائل دیگر همراه است:

در قرآن بیش از بیست مرتبه در کنار سفارش به نماز به زکات سفارش شده است. در آغاز قرآن در کنار نماز انفاق مطرح می شود: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ وَ فِي آخِرِ قُرْآنٍ دَرِ كُنَّارِ «فَصَلِّ لِرَبِّكَ» و انحر آمده؛ یعنی نماز به تنهایی کافی نیست باید شتری را ذبح و بین دیگران تقسیم کنی.

در عید فطر در کنار نماز عید راهپیمایی به سوی صحرا همراه با شعار غسل و زکات فطره است.

در عید قربان نیز در کنار نماز عید غسل و نظافت و ذبح قربانی مطرح میشود. راستی چه زیباست که در یک عید به نان فقیران توجه می شود و در عید دیگر به گوشت آنان و این خود نشانه جامعیت دین است.

البته در سراسر اسلام این جامعیت به چشم می خورد، اسلام حتی در مسأله آمیزش جنسی می فرماید: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَ قَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ .

به طور کلی اگر در هر یک از دستورهای اسلام دقت کنیم جامعیت تعجب آوری به چشم می خورد.

ای کاش نمازگزاران ما همه کمالات را داشته باشند تا همه دل‌های پاک را به نماز دعوت کنند و تنها به نماز ظاهری بدون توجه به دیگر کمالات قانع نباشند.

## ۹. مقایسه نماز با عبادت‌های ادیان دیگر

یکی از راه‌های دعوت به نماز توجه به تفاوت‌هایی است که بین نماز اسلام و عبادت‌های ادیان دیگر وجود دارد. در نماز صدها راز و رمز نهفته است که قابل مقایسه با هیچکدام از نیایش‌های دیگر ادیان نیست.

کافی است شما اذان نماز را با ناقوس کلیسا مقایسه کنید.

اذان شعاری است که با «الله» شروع میشود و با «الله» پایان می‌یابد؛

انجام آن برای هر فردی ممکن است؛

در همه جا قابل اجراست؛

هیچ ابزار و وسایلی نمی‌خواهد؛

نشانه آزادی بیان است؛

## ۱۰. اظهار علاقه بزرگان به نماز

از عوامل دعوت به نماز اظهار علاقه بزرگان به نماز است. امام حسین به لشکر یزید پیام داد جنگ را از تاسوعا به عاشورا به تعویق اندازید؛ زیرا من نماز را دوست دارم و می‌خواهم یک شب دیگر نماز بخوانم: «إِنِّي أَحِبُّ الصَّلَاةَ».

## پیشنهاد عملی

اگر عکس امام خمینی-که در آستانه نود سالگی که با بیماری شدید و اتصال سرم به بدن، به کمک دو نفر نماز خود را به طور ایستاده می‌خواند- در بیمارستانها جلوی چشم بیماران قرار بگیرد، بیمار به دلیل یک مسأله جزئی دست از نماز بر نمی‌دارد و حاضر نمیشود نمازش را با وجود مشکل کم، بدون وضو یا بدون قیام انجام دهد

## ۱۱. دوستان نمازگزار

نقش دوست در تربیت انسان بر کسی پوشیده نیست. شاید بتوان گفت که مسأله اعتیاد فقط از راه دوست ناباب ایجاد می‌شود.

چه باعث شد که شما جهنمی شدید؟ «مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ».

آنان در پاسخ چهار عامل را بیان می کنند :

رها کردن نماز: «لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ

بی اعتنایی به فقرا: «وَلَمْ تَكُ تُطْعَمُ الْمَسْكِينِ

دوستی با ناهلان: «وَكُنَّا نَحُوضُ مَعَ الْخَائِفِينَ.

تکذیب قیامت: «وَكُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ».

و در جایی دیگر می فرماید افرادی که دوست نا اهل بگیرند در قیامت نه نوک یک انگشت و تمام یک انگشت و نه انگشتان یک دست، بلکه انگشتان دو دست خود را گاز می گیرند: «يَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ وَ مَيَّ كَوَيْبِنْد: اِي كَاش بَا فَلَانِي رَفِيْقِي نَمِي شَدِيم: «يَا وَيْلَتِي لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا».

### ۱۲. جریان سازی و استفاده از فرصت ها

برای دعوت به نماز باید مساجد را تقویت کرد. از عواملی که جاذبه مسجد را زیاد میکند آن است که انسان از لابه لای افکار حوادث و اخلاقیات بتواند جرقه ها را به جریان تبدیل کند و خاطراتی را تولید نماید.

در صدر اسلام، بسیاری از جریانهای تلخ و شیرین و خاطرات عبرت آور در مسجد رخ داده است. حتی زنی در هنگام سخنرانی پیامبر از وی تقاضای شوهرکرد؛ حضرت از مردم پرسید: آیا کسی هست تا با این خانم ازدواج کند؟ کسی اعلام آمادگی کرد. حضرت از وی پرسید: مهریه چه داری؟ گفت: هیچ، حضرت پرسید: آیا قرآن یاد داری؟ گفت: بله. پیامبر از آن زن پرسید: آیا حاضری مهریه ات آموزش قرآن باشد؟ زن گفت: بله. پیامبر نیز این ازدواج را برقرار کرد.

در حدیث دیگری آمده است که افرادی در مسجد به عبادت، تلاوت و ذکر مشغول بودند و افرادی مشغول گفتگوی علمی. پیامبر هر دو گروه را پسندید، ولی فرمود: من به گروه گفتگوی علمی میپسندم.

اسلام، نه تنها از مسجد، بلکه از کوچه و خیابانی که به مسجد میرسد، برای رشد جامعه استفاده میکند.

### ۱۳. مشارکت افراد فرهیخته

در جامعه افرادی به دلایل اخلاقی علمی هنری فنی و ورزشی نمود بیشتری دارند و به اصطلاح «چهره» هستند. به طور طبیعی دعوت به نماز از حلقوم آنان اثر بیشتری دارد در روایات ما آمده که بزرگان هر قومی را احترام بگذارید، زیرا جذب آنها سبب جذب دیگران می شود.

جمله معروفی است که الناس علی دین ملوکهم و در حدیث میخوانیم شباهت مردم به چهره های معروف و مسئولان در الگوگیری و تأثیر پذیری بیش از شباهت مردم به پدران و مادران است. حضرت امیر نیز به فرمانداران خود نظیر مالک اشتر و برخی دیگر نسبت به اقامه نماز سفارش ویژه دارد.

همچنین قرآن می فرماید: هر جا که تو در میان مردم هستی باید اقامه جماعت کنی: «وَ إِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ . شرکت در نماز از سوی مسئولان استادان مدیران و معلمان و هر کسی که به هر دلیلی جایگاه اجتماعی دارد، یک امر به معروف عملی است. البته برخی به اسم اینکه نگران ریاکاری و خودنمایی هستند نمازشان را در جای خلوتی می خوانند؛ در حالی که باید بدانند این ریا نیست بلکه امر به معروف عملی است و آنچه ناپسند است خودنمایی است نه خوب نمایی.

#### ۱۴. بهره گیری از هنر در دعوت به نماز

هنر سبب نفوذ آموزش و اثر بخشی بیشتر و سبب ماندگاری در ذهن مخاطب میشود راههای هنری بسیار است؛ گاهی با تغییر صوت، گاهی با تغییر کلمات گاهی با کلمات ریتم دار و سجع و قافیه دار گاهی با شعر نمایش، داستان، تمثیل و تشبیه، ترسیم روی صفحه و گاهی با اشاره به صورت مستقیم و گاهی غیر مستقیم است.

البته هنر می تواند در دست افراد منحرف باشد مثل سامری که با هنرمندی مجسمه گوساله ای را ساخت و مردم را منحرف کرد و گفت خدای شما همین گوساله است: «هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَى؛ و میتواند هنر به دست ولی خدا باشد مثل حضرت عیسی که از گل شکل پرنده ساخت و با نفس خود او را به پرواز در آورد و مردم را به خدا دعوت کرد.

هنر می تواند به دست فرعون باشد تا با ساختن برجی در برابر خدا قیام کند: «فَأَجْعَلْ لِي صَرْحًا؛ هم می تواند به دست سلیمان باشد که کاخ بلورین او پادشاه زمان را خیره کند: «حَسِبْتُهُ لُجَّةً».

#### خاطره ای از یک بیان هنر

یکی از مردان اهل فضل میگفت: برای رانندگان کلاسی داشتم. خواستم دلیل تلخیها را با مثالی از شغل خودشان برای آنان بگویم. این دلیل راکه فلسفی بود، به عمق جان نشان نشاندم وگفتم: بلاها چند نوع است:

۱- بلاهای گازی: بعضی بلاها گازی هستند و به انسان سرعت میدهند. همینکه باران خانه ای را خراب کرد، همه همسایگان در ایزوگام کردن پشت بام سرعت میگیرند! همینکه طفلی به دلی لاستفاده نکردن از واکسن بیمار شد، همه مادران برای واکسن زدن میشتابند!



۲- بلاهای ترمزی: برخی بلاها ترمزی هستند. گاهی انسان به بلایی گرفتار میشود، از غرور و سرمستی خود کوتاه میآید. برای مثال به کسی عشق و علاقه ای دارد و از او بیمه‌ری میبیند؛ این بیمه‌ری سبب میشود که وابستگی خودش را به او کم کند.

۳- بلاهای کارواشی: برخی بلاها کارواشی هستند؛ یعنی ای نخلی باعث یک توبه و بازگشت و پاک شدن روح از زنگارهای گوناگون میشود.

۴- بلاهای تعمیری: بعضی بلاها تعمیری هستند. حادثه ای رخ میدهد و همه بسیج میشوند تا آن حادثه و کمبود را جبران کنند. در این بسیج عمومی، عواطف تحریک، دلها به هم نزدیک و جامعه بازسازی میشود.

۵- بلاهای اسقاطی: بعضی بلاها اسقاطی هستند؛ مثل قوم لوط، نوح، عاد و ثمود که به دلیل جنایت و لجاجتی که در برابر پیامبران انجام دادند، یکسره سقوط کردند.

### ۱۵. دعوت های غیر مستقیم

یکی از راه های دعوت به نماز آن است که افراد را به مطالعه کتابهای مفید درباره نماز یا نوشتن انشا و مقاله و خاطره ای درباره نماز در قالب مسابقات و مانند آن وادار کنیم.

مبلغ باید بداند که یکی از راههای دعوت قلم و کتاب است و تنها با تذکر زبانی به تمام هدفها نمی توان رسید. حضرت سلیمان با یک نامه کوتاه تحولی در میان مشرکن ایجاد کرد: «أَلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ \* إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَ إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . تهیه انواع محصولات فرهنگی سی دی کتاب .... با محوریت نماز به خصوص اگر همراه با هنر باشد، می تواند گامی برای دعوت به نماز به شمار آید.

بیان و جمع آوری خاطراتی از نمازگزاران واقعی که لازم است برای این منظور کتابهایی به رشته تحریر درآید؛ البته بعضی از آنها نوشته شده و در همین کتاب به بعضی از خاطرات اشاراتی شده است. نماز رزمندگان در جبهه ها اسیران در اردوگاه ها، زندانیان در زندان طاغوت هجرت حضرت ابراهیم (ع) برای نماز امام حسین (ع) در برابر تیرباران دشمن نماز شب حضرت زینب کبری (س) در شام ، عاشورا نماز مسلم بن عقیل پیش از شهادت نماز عالمان و عارفان و مخلصان و.... نمونه ای از این خاطرات است.

### ۱۶. مقایسه صحیح

یکی از راه های دعوت مقایسه بین نقاط مثبت با منفی است.

قرآن کریم که کتاب دعوت است در آیات فراوانی با مقایسه بین نقاط مثبت و منفی ارزش خوبی ها و بدی بدی ها را برجسته می کند. برای مثال می فرماید: آیا بینا و نابینا یکسانند؟ آیا مؤمن و فاسق مساوی هستند؟ آیا جاهل و عالم یکسانند؟

افراد مسجدی حتی اگر در محله ای غریب باشند به دلیل حضور در مسجد احساس تنهایی ندارند در رفت و آمد به مسجد نوعی نشاط حرکت و سلامتی جسمی و نوعی امید در سایه ارتباط با خدا وجود دارد و فرد اهل مسجد هرگز خود را در بن بست نمی بیند.

فرد مسجدی خود را به دریا متصل میداند هدفش رضای خدا رنگش رنگ الهی معشوقش اولیای خدا و مسیرش راه خداست ولی دیگران رابطه شان با طاغوتها و وسوسه ها هدفشان رضایت این و آن و رفاقتشان با منحرفان و تعصب و حساسیتشان مربوط به قبیله و رنگ سیاسی و لهجه و نژاد و... است.

اگر زمان جنگ را در نظر بگیریم خواهیم دید که جوانان مسجدی به جبهه رفتند؛ ولی بعضی از کشور خارج شدند و بعضی در خانه ماندند.

باید بین انضباطی که در نماز پیدا میکنیم با سر در گمی و هرج و مرج کارهای دیگر مقایسه کنیم. در نماز فقط خدای یکتا و در غیر نماز صدها و هزاران موجود دیگر مطرح است؛

در نماز قبله لازم است و کارهای دیگر هر یک به سویی است؛

در نماز حضور قلب مطرح است در غیر نماز حواس پرتی؛

در نماز کلمات معین پر محتوا و حساب شده مطرح است در حالی که در غیر نماز هر چه دلت خواست می توانی بگویی؛

در نماز امام جماعت عادل مطرح است ولی در غیر نماز هر کس شد؛

در نماز لقمه حلال مطرح است اما در غیر نماز هر لقمه ای که شد؛

در نماز زمان معین است و در غیر نماز هر وقت شد؛

در نماز راه مستقیم و در غیر نماز هر راهی شد؛

در نماز خواهان پیمودن راه کسانی هستیم که مورد انعام الهی هستند اما در غیر نماز راه هر کس که شد؛

در نماز به نشاط سفارش شده نه هر حالی و نه کسالت؛

در نماز پیوستگی سفارش شده نه گاهی خواندن و گاهی نخواندن.

در نماز همراهی با دیگران و جماعت مطرح شده، نه تکروی.

معمولاً در کنار آیات دوزخ آیات بهشت مطرح شده تا با ملاحظه این تفاوتها انسان مسیر حق را تشخیص دهد.

### ۱۷. معلم خصوصی

گاهی لازم است برای دعوت به نماز افزون بر گفتگوهای رسمی و عمومی در مساجد و مدارس از افرادی معلم مربی طلبه دعوت خصوصی به عمل آید و میان آنها با افرادی که نسبت به نماز ضعف دارند ارتباط برقرار کنیم؛ هر چند نفر را به یک نفر بسپاریم و او را به عنوان معلم خصوصی نماز آنها قرار دهیم.

بسیارند کسانی که از شرکت در جلسات عمومی و شنیدن تذکرات خجالت میکشند ولی اگر بین آنان ارتباط چهره به چهره برقرار شود می توان آنها را بدون هیچ گونه فشار روحی تحت آموزش قرار داد. البته این گفتگوی خصوصی و چهره به چهره نیازمند شناسایی افراد توانمند و برنامه ریزی و تدبیر دارد.

### ۱۸. آموزش نماز

اگر انسان نسبت به کاری آگاه باشد و روش انجام آن را یاد بگیرد، انجام آن برایش آسان است. بسیاری افرادی که یا احکام نماز، یا الفاظ آن و یا اسرار آن را نمیدانند. در اینجا، والدین معلمان مربیان اساتید حوزه های علمیه، مسئولان و سازمان های فرهنگی و صدا و سیما هر کدام در شعاع امکانات و اختیارات خود باید نقش ایفا کنند.

آموزش و پرورش باید در هر پایه و کلاس به گوشه ای از آداب و اسرار نماز بپردازد و خیال نکند اگر در فلان کلاس چند جمله ای درباره نماز گفت لازم نیست که در کلاسها و کتابهای بعدی آن را تکرار کند؛ زیرا خود نماز هم تکراری است و آموزش و تبلیغ آن هم باید با تکرار باشد.

### ۱۹. ترویج سنت وقف برای نماز

برای دعوت به نماز میتوان از راه موقوفات نیز وارد شد. در استان فارس و شهرستان استهبان درختان زیادی از بادام و گردو وقف شده تا محصول آن در مساجد به بچه های مسجد داده شود.

قرآن در دعوت به عبادت می فرماید: مردم باید بندگی خدا کنند، زیرا که خداوند مشکل گرسنگی و امنیت آنان را حل کرد: **فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ .**

در مراسمات محرم و عاشورا از نقش و سهم اطعامهای بسیار گسترده نباید غافل شد. در رمضان هم از نقش سفره های افطاری نباید غفلت کرد.

حضرت امیر (ع) در مسیر راه مکه با دست مبارک خود چاه هایی را حفر میکرد و همین که به آب می رسید، قلم و کاغذی می آورد و آن را برای مسافران خانه خدا وقف مینمود حتی امروز در مسیر راه مدینه به مکه اطراف مسجد شجره چاه های فراوانی هست که آب گوارایی دارد؛ امروزه آن آبها در ظرفهای یکبار مصرف ریخته شده و در آنها بسته و نام این بطری ها آبار علی است آبار جمع بتر به معنای چاه و علی امیر المومنین (ع) است؛ یعنی بعد از ۱۴۰۰ سال، مردم هنوز از دست رنج علی ابن ابیطالب (ع) در راه مکه استفاده می کنند.

ما باید برای دعوت به نماز مردم را به نذر کردن برای نماز وقف نماز و تشویق نماز راهنمایی کنیم؛ زیرا نماز بره است و این گونه کمکها نوعی تعاون بر بره میباشد که قرآن می فرماید: «تعاونوا علی البر .

راستی چگونه دشمنان بشریت برای عیاشی هرزگی و گناه مستهجن ترین عکس ها را به وسیله ماهواره، سایت اینترنت و مانند آن رایگان در اختیار نسل نو می گذارند ولی ما مسلمانان برای دعوت به نماز حتی به اندازه درصدی از آن تلاش نمی کنیم.

### فصل ششم : وظایف نهاد ها و مسئولین

پس از آنکه با راه های دعوت به نماز آشنا شدیم باید بدانیم که افراد گروهها و نهادها نیز در این خصوص وظایفی را به عهده دارند که اگر این وظایف به خوبی پیگیری شود دعوت به نماز از نتیجه مطلوبی برخوردار خواهد بود.

این گروه ها و نهادها عبارتند از خانواده مسجد مدرسه حاکمیت و اقشار مختلف مردم که به تفکیک مطالبی را درباره هر یک طرح می کنیم.

#### اول خانواده

۱ اهمیت و ضرورت توجه والدین به نماز

والدین مسئول عقائد افکار و اخلاق فرزندان هستند و فرزندان امانتی در اختیار والدین؛ پس هر نوع کوتاهی، خیانت به این امانت است. قرآن بارها سفارش کرده که نسبت به فرزندان خود دلسوز و از انحراف آنها نگران باشید خداوند در قرآن یکی از دلایل بهشتی شدن والدین را همین دغدغه می داند: «إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ».

در جای دیگر نیز می فرماید: «فُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا»

چندین بار هم از زبان اولیای خدا نوح، ابراهیم یعقوب (لقمان با واژه یا بنی توجه والدین به فرزند را مطرح کرده است.

بنابر روایات امام باقر فرزندان را برای آمین گفتن در جلسه دعا حاضر میکرد در قرآن نیز می خوانیم که پیامبر در داستان مباحله کودکان را با خود برد.

به هر حال قرآن از والدین متعهد تجلیل میکند و میفرماید حضرت اسماعیل پیوسته خانواده خود را به نماز سفارش می کرد: «وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ .

و از والدینی که نسل کاهل نسبت به نماز تحویل می دهند انتقاد کرده و می فرماید: «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا .

البته گاهی والدین تمام تلاش خود را میکنند و این فرزندان هستند که نماز را ضایع می کنند.

به راستی اگر ما که در اولین عبارت نماز الله اکبر میگوییم این واژه ها را با جان خود باور کنیم هیچ چیز دیگری را نباید بر نماز برتری دهیم.

### روش های پیشنهادی برای والدین

والدین می توانند با خرید سجاده ای زیبا یا با محبت های ویژه گفتگوی عاطفی علمی تشویق و احترام و در موارد کاهلی آنها با عبوس شدن و قهر، موقت رضایت یا عدم رضایت خود را اعلام کنند.

گاهی فرزندان کوچک را به حفظ قرآن اشعار سرودهای دسته جمعی و تواشیح وادار میکنیم اما این سرمایه گذاری را درباره اذان و نماز انجام نمی دهیم والدین باید سعی کنند فرزندان خود را با بچه های مسجد مأنوس کنند و گاهی به افراد فرهیخته بگویند که از فرزندانشان تشکر کنند و آنها را تشویق نمایند.

یکی از راه های دعوت نسل نو به نماز آن است که در برنامه های مسجد هیچ گونه تحقیری نسبت به نسل نو نشود و گاهی مسئولیتی از جمله گفتن اذان و اقامه یا اعلام برنامه به آنان سپرده شود. در اسلام به ما سفارش شده حتی اگر خواستید به کسی کمک کنید پول را به فرزند بدهید و از او بخواهید تا او پول را به فقیر بدهد تا به این وسیله فرزند برای خود احساس نقش و مسئولیت کند. همین که کودک دید با اذان و اقامه او صدها نفر رکوع و سجود می کنند، احساس کرامت خواهد کرد. بهانه هایی مانند اینکه کودک نمازش درست نیست یا لباسش چنین است یا مراعات مستحبات را نمی کند قابل قبول نیست. والدین باید بدانند که در آموزش نماز به کودکان مستحبات را وارد نکنند؛ یعنی اول به آموزش واجبات، آن هم به حداقل ها بسنده کنند.

### توجه به لقمه حلال در خانواده

از مسائلی که باید والدین توجه داشته باشند آن است که در تغذیه فرزندان به فکر لقمه حلال باشند؛ زیرا اگر بدن از لقمه حلال تغذیه نکند حتی سخنان امام معصوم هم در او اثر نخواهد کرد. امام حسین در روز عاشورا، سه بار با مردم گفتگو فرمود. آنان گوش ندادند و امام فرمود به طور قطع شکم شما از حرام پر شده است: **مُلِئْتُ بِطُؤْنِكُمْ مِنَ الْحَرَامِ**.

اصحاب کهف که مورد ستایش قرآن هستند پس از خواب طولانی که بیدار شدند به سراغ پاک ترین غذا رفتند: **«أَيُّهَا أَرْكَى طَعَامًا**.

کم فروشی و لقمه حرام بستری برای فجور و فساد هستند و این دو نیز بستری برای تکذیب میشوند. قرآن ابتدا می فرماید: **وَيَلُّ لِلْمُطَفِّينَ** وای بر کم فروشان که لقمه حرام می خورند؛

### تبلیغات خانگی

در روایات آمده است که در خانه جایی را برای نماز قرار دهید. شاید بتوان گفت نظر اسلام این است که نگاه به آن مکان انسان را به یاد نماز می اندازد و اگر به خاطر تنگی مکان نمی توان محلی را برای نماز اختصاص داد، دست کم با نصب علامت قبله یا آیه ای که نشانه نماز باشد با گذاشتن سجاده ساکنین به یاد نماز بیفتند.

### مسجد

دومین مکانی که معمولاً فرزندان با آنجا آشنا میشوند مسجد است. اگر مسجدی مطلوب امام جماعتی عالم و زمان شناس و خادم و هیئت امنایی کاردان و مردم دار در کنار هم جمع شوند عاملی بسیار مؤثر در دعوت به نماز فراهم شده است. عوامل و نکاتی که باعث رونق مسجد و جاذبه آن می شود عبارتند از:

### همگانی بودن مساجد

از عواملی که جاذبه نماز را زیاد می کند آن است که مسجد و برنامه های آن در اختیار فرد طبقه قشر یا خط سیاسی خاصی نباشد؛ شاید بتوان از آیه **«وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ**.

استفاده کرد که مساجد برای خداست و نباید پایگاهی برای عده ای خاص باشد.

گاهی مردمی که به نماز علاقه دارند به دلیل آنکه احساس میکنند یک سلیقه خاص بر مسجد حاکم است، نسبت به حضور در مسجد دلسرد میشوند مانند کسی که تشنه است ولی می بیند ظرف آب در دست کسی است که او را دوست ندارد؛ بنابراین حاضر است تشنگی را تحمل کند ولی آب را از دست او نگیرد.

### نقش مساجد

یکی از راه های پر رنگ کردن نقش مساجد در دعوت به نماز آن است که بتوانیم یک سری مشکلات و موانع را در مسجد برطرف و کمبودها را جبران کنیم.

اگر در مساجد ما پزشکی باشد که بیماران اهل مسجد را به طور رایگان درمان کند صندوقی باشد که وام بدهد، افراد اهل مسجد به این آیه عمل کنند که قرآن می فرماید: «بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ» .

یعنی احساس کنیم که همه از همدیگر هستیم تحصیل کردگان و فرهنگیان کلاس های جبرانی برای بچه هایی که در درس ضعیف هستند بگذارند و ده ها نمونه از این کارها میتواند دعوت عملی به نماز و مسجد باشد و نسل نو احساس کنند، مسجد افزون بر ایجاد ارتباط بین آنان و خدا مکان مناسبی برای حل انواع مشکلات آنان است و تمام ضعف های آنها را جبران می کند.

قرآن در دعوت انسانها به سوی خود می فرماید اگر شما یاد ما باشید ما هم به یاد شما هستیم: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ» ؛

### معنای اقامه نماز

شاید اقامه نماز به معنای مجموعه این سخن هاست و گرنه صرف خواندن نماز ذکر است و ذکر اقامه شدنی نیست کلمه اقامه مربوط به یک شرایط امکانات بسیج، نشاط حضور آگاهی و مانند آن است. همان گونه که اثر بخشی نسخه پزشک زمانی است که انسان به تمام آزمایشات و تمام دستورات توجه داشته باشد و گرنه اگر قرصی را بخورد و کپسولش را نخورد یا به آزمایشهای خود توجه نداشته باشد درمان نتیجه بخش نیست.

آری؛ اثر بخشی نماز نیز هنگامی است که دقیق به هنگام درست با توجه به انجام کامل واجبات توجه به مستحبات و توجه به شرایط قبولی باشد کسی که تاریخ کربلا و مظلومیت امام حسین و اصحابش را در خانه میخواند و اشک می ریزد با کسی که در بیرون خانه عزاداری میکند تفاوت زیادی دارد اقامه عزاداری به شرایط ویژه ای نیازمند است. قرآن ما را سفارش به حفظ نماز کرده است و در این باره می فرماید: «عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ».

### مسأله حفاظت از نماز

مکرر در قرآن آمده است؛ یک بار با تعبیر «حافظوا و سه بار با تعبیر «یحافظون آمده است. از همین قالب یحافظون» استفاده می شود که هم ما باید نماز را حفظ کنیم و هم نماز ما را حفظ می کند. مانند آیه «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ». که همسر برای همسر همچون لباس است؛ یعنی هم باید ما از لباس حفاظت کنیم و هم لباس از ما شاید بتوان گفت به همان میزان که ما از نماز حفاظت میکنیم نماز هم از ما حفاظت می کند.



در حدیث آمده است که نماز به افرادی می گوید: «حَفِظْتَنِي حَفِظَكَ اللَّهُ؛ یعنی مرا حفظ کردی، خدا تو را حفظ کند و به افرادی می گوید: «صَيَعْتَنِي صَيَعَكَ اللَّهُ ضايِعَمَ كَرَدِي، خدا ضایعت کند.

در حدیث دیگری می خوانیم به همان اندازه که در نماز حضور قلب داریم به همان اندازه از ما پذیرفته می شود. همان طور که از میوه آن مقدار قابل استفاده می باشد که سالم است.

### زیبایی و سادگی مساجد

مکان زیبا نوعی دعوت عملی به نماز است. خداوند متعال به حضرت ابراهیم و اسماعیل می فرماید: «طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ؛

به ابراهیم و اسماعیل تکلیف کردم که خانه مرا برای طواف کنندگان معتکفان راکعان و ساجدان، پاک و پاکیزه کنید.

اسلام دستور میدهد که زنان از تمام آرایشهای حلال برای نماز استفاده کنند و به مردان نیز می فرماید بهترین لباس خود را بپوشید. امامان ما میفرمایند کسی که سر و صورت خود را شانه کند یک رکعتش سی رکعت به شمار می آید. یا می فرمایند: اگر کسی از عطر و بوی خوش استفاده کند باز هم یک رکعتش سی برابر میشود و اگر مسواک هم بزند، هر رکعتش هفتاد رکعت می گردد.

نکته دیگر اینکه خداوند متعال توفیق ساخت تعمیر و خدمت مسجد را به هر کسی نمیدهد و در قرآن می فرماید فقط افراد خاصی که به مبدأ و معاد ایمان دارند و اهل نماز و زکات و شجاعت هستند حق دارند در این میدان گام نهند: «إِنَّمَا يَعْزُمُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ... در جایی دیگر نیز می فرماید مشرکان حق تعمیر مسجد را ندارند: «ما كانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْزُمُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ .

حتی آنها که باطن پلیدی دارند منافقند و حسن نیتی ندارند اگر مسجد ساختند باید مسجدشان مانند مسجد ضرار خراب شود.

جایگاه نماز به قدری است که نیت سازنده و همکاران مصالح ساختمان و خادم آن همه باید در فضای پاکی ظاهری و باطنی باشند.

### مرتبط کردن امکانات و تشویقات با نماز

ناگفته پیداست که اگر ما امکانات و تشویق‌های خود را به نماز گره بزنیم نماز رونق ویژه ای خواهد یافت. از صدر اسلام همه نیازها در مسجد پیامبر متمرکز بود مسایلی چون قضاوت، آموزش کمک به فقرا مکان اسکان آواره گان و مهاجران مشورت بسیج کردن مردم برای جبهه ها تبلیغات و حتی عقد فاطمه زهرا همه در مسجد انجام می شد.

اگر چهره های معروف و فرهیختگان در مساجد شرکت کنند اگر مردم به پزشکی که در محله سکونت دارد و در مسجد حاضر می شود، مراجعه کنند اگر قرض الحسنه ای خواستند از مسجد دریافت کنند اگر مسائل امنیتی خود را از سوی بسیج مسجد تأمین نمایند اگر شبانه روز در مسجد برای کسانی باز باشد که برنامه مطالعه و گفت و گو مباحثه و امثال آن را دارند و یا دید و بازدیدهای رسمی و غیر رسمی را در مساجد قرار دهند مساجد فعال خواهد شد.

### راهکارهای مؤثر در جذب به مساجد :

صدای خوب مؤذن

قرائت خوب امام جماعت

تنوع در سوره هایی که بعد از حمد خوانده می شود؛

مراعات تجوید؛

زیبایی مسجد.

استفاده از بوی خوش و نظافت.

نهی از ورود افراد سیر و پیاز خورده به مسجد؛

مسئولیت دادن به نسل نو.

مراعات کردن حال ضعیف ترین افراد؛

حفظ حقوق همه افراد و حتی کودکان.

تقدم تطهیر مسجد بر نماز خواندن؛

بیان اسرار نماز در قالب شعر قصه و فیلم تهیه فیلم های کوتاه و پر جاذبه که برای ایجاد و تقویت محبت خدا و خشوع در برابر او می تواند بسیار موثر باشد.

جاذبه های امام جماعت

امام جماعت نقش مهمی در دعوت به نماز دارد و نباید فقط نسبت به کسانی که با اذان به مسجد می آیند، قانع باشد؛ زیرا همه مردم یکسان نیستند.

در قرآن دو سطح انجام وظیفه از انسان خواسته شده است؛ سطح اول اینکه انسان حق هر کاری را ادا کند. مثل:

حق تقوا: «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ» ؛

حق جهاد: «و جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» ؛

حق کتاب آسمانی: يَتْلُوهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ ؛

اما سطح دیگر آنکه اگر حق تقوا و جهاد و کتاب آسمانی را نمی پردازید دست کم از آنچه در توان دارید کوتاهی نکنید و به مقدار توانایی خود کوشا باشید.

اگر حق تقوا را انجام نمی دهید لا اقل در حد توان تقوا داشته باشید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ» ؛

اگر حق جهاد را در برابر دشمن نمی دهید لا اقل آنقدر که میتوانید آماده باشید. وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ .

اگر حق تلاوت را انجام نمی دهید لا اقل آنچه میتوانید تلاوت کنید: «فَأَقْرَأْ مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»؛

### ویژگی های امام جماعت

اسلام برای بهترین امام جماعت معیارهایی قرار داده است؛ با ثقواترین با سوادترین خوش لهجه ترین و در صورتی که همه شرایط بین چند نفر مساوی بود زیباترین را انتخاب کرده است و در حدیث میخوانیم خوش صداترین افراد اذان بگوید و باسوادترین افراد امام جماعت شود. لِيُؤدِّنَ لَكُمْ أَفْصَحَكُمْ.

### نظم امام جماعت

یکی از عواملی که با آن میتوان مردم را به نماز دعوت کرد منظم بودن امام جماعت است. اگر مردم بدانند امام جماعت به طور منظم سر وقت و با مطالعه همیشگی در مسجد حاضر می شود مسجد رونق پیدا میکند و رونق یافتن مسجد، خود دعوت عملی به سمت نماز است. اما اگر امام جماعت به هر دلیل نامنظم و با تأخیر و به طور پراکنده به مسجد بیاید، نمی توان به این صورت مردم را به نماز دعوت کرد بی توجهی یا کم توجهی امام جماعت و سهل انگاری و مطالعه نداشتن از علاقه نمازگزاران به نماز جماعت می کاهد.

### خلافت امام جماعت و متولیان مساجد

همان گونه که سوره حمد در نماز ثابت است ولی پس از قرائت حمد نمازگزار میتواند هر سوره ای که خواست انتخاب کنند البته به غیر از چهار سوره ای که سجده واجب دارد و همین طور که یک اصول ثابتی مانند رکوع، سجود و تشهد در نماز وجود دارد و این نمازگزار است که میان انواع مستحبات قدرت انتخاب دارد اگر ما هم بتوانیم جوانان مسجد را به انتخاب، ابتکار و خلاقیت و اداریم آنان مسجد را محل بروز و شکوفایی استعدادهای خود می دانند و به آن دلبسته می شوند.

## نقش نمازگزاران

اگر نمازگزاران در مسجد یا هر مکانی دیگران به ویژه نسل نو را تکریم کنند و مردم از آنان احساس محبت کنند، این افراد حتماً به نماز علاقمند میشوند. انسان به طور فطری دوست دارد محبوب باشد؛ محبوب نزد خداوند و محبوب نزد مردم؛ و از بی علاقگی و برخورد های سرد ناراحت می شود.

در آیات زیادی از قرآن با جمله «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مُحِبِّ خُدا به گروههایی اعلام شده و با کلمه لا يُحِبُّ» قهر خدا اعلام شده است.

انسان اگر احساس محبت و محبوبیت و کرامت کرد نسبت به کار خود علاقمند میشود در اسلام به ما سفارش می شود به جوانی که در جماعت حاضر نمی شود همسر ندهید قرآن نیز آشکارا میفرماید برای ازدواج افراد صالح به پا خیزید: «وَأَنْكِحُوا الْأَبْأَمَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ» .

در جای دیگر سفارش میکند که گواهی کسانی را که اهل مسجد هستند، بپذیرید.

همچنین در حدیث دیگری داریم شیعیان ما را با حضور در نماز اول وقت بشناسید.

یا در برخی روایات می خوانیم کسانی که چند جمعه بدون عذر به نماز جمعه نروند در آستانه انحراف و نفاق قرار می گیرند. از این قبیل آیات و روایات استفاده میشود که باید افراد جامعه نسبت به حضور یا عدم حضور نمازگزار عکس العمل نشان دهند.

## آسیب ها

از مسائلی که باعث میشود نمازهای جماعت خلوت شود این موارد است :

گروگان گرفتن مردم با سخنرانی و برنامه های بین دو نمازه.

طولانی کردن مراسم نماز.

استفاده از دعاهای طولانی.

سخنرانی های دائمی.

جمع آوری کمک مالی برای مسجد؛

عدم نظافت مساجد.

منظم نیامدن امام جماعت؛

پاسخ دادن به سؤالات فردی با بیان مطالب غیر ضروری بین دو نماز.

### سوم مدرسه

مدرسه به عنوان مکانی که چندین سال مستمر دانش آموزان را به همراه دارد نقش بسیار سرنوشت سازی در آینده دینی و معنوی فرزندان به عهده دارد؛ لذا لازم است مسئولین آموزش و پرورش در این خصوص توجه ویژه ای به دانش آموزان داشته باشند.

### توجیه فرهنگیان و مسئولان فرهنگی

برای دعوت به نماز و هر کار خیر دیگر باید مسئولان فرهنگی به خصوص مدیران رده بالا، میانی برنامه سازان و کارگردانان نویسندگان و تهیه کنندگان هم آگاه و هم معتقد به آن کار بشوند و در تمام برنامه های خود و فیلم ها و سریال ها از شخصیت های محبوب و مؤمن فیلم ها برای نماز آن هم نمازی طبیعی - نه تصنعی - در وقت حساس، به مسأله نماز بپردازند.

مسئولان فرهنگی باید بدانند که دعوت به خیر انسان را ردیف بهترین افراد قرار میدهد؛ چنانچه قرآن می فرماید: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ».

همچنین در قرآن میخوانیم هر کس یکنفر را بکشد گویا همه مردم را کشته و هر کس یک نفر را زنده کند، گویا همه مردم را زنده کرده.

امام در ذیل این آیه فرمود اگر یک نفر از انحراف و گمراهی به راه حق دعوت شود این همان زنده کردنی است که پاداش زنده کردن همه مردم را دارد.

### مسئول نماز

یکی از راه های دعوت به نماز آن است که مسئول نماز از بهترین افراد و اشخاص فاضل فارغ دلسوز، عاشق، محبوب و با تجربه باشند که اگر این صفات در شخصی جمع شود می تواند از علم و تجربه خود و مشورت با سایر افراد هر روز برای اقامه نماز رشد و شکوفایی آن و برطرف کردن موانع گام تازه ای بردارد.

اگر مسئولان نماز باور کنند که نماز یک کارخانه آدم سازی است که تمام مسائل تربیتی را میتوانیم در آن جستجو کنیم؛ و اگر باور کنیم که مسجد محل اجتماعی است که میتوانیم تمام مسائل اجتماعی را در آن حل کنیم با این نگاه، وضع دیگری خواهیم داشت.

حضرت علی (ع) در رکوع نماز انگشتر خود را به فقیر داد و مشکل او را حل کرد بدون وقت قبلی، اداره کل، معاونت، تلفن چی، منشی، بازرس، استخدام اضافه کار مأموریت ماشین راننده حراست اجاره تابلو و تبلیغات و سرایدار و روابط عمومی و بایگانی و....!

اگر ما به هر یک از برنامه های اسلام برگردیم به آسانی و عمق و جامعیت اسلام پی خواهیم برد.

### نمره نماز

یکی از راه های دعوت به نماز آن است که بخشی از نمره افراد را در جامعه و ادارات و نمره نسل نو را در آموزش و پرورش و دانشگاه براساس توجه به نماز قرار دهیم؛ همان گونه که در روایات اعتبار افراد را با حضور در مسجد میدانند. یعنی به ما سفارش شده که اگر کسی اهل مسجد بود گواهی او معتبر است و اگر کسی اهل مسجد نبود، به او دختر ندهید.

با اینکه نماز از مصداق های کار خیر است اما نامش به طور ویژه برده شده است.

بنابراین سزاوار است همه ما برای نماز حساب نمره تشویق و عنایت ویژه داشته باشیم.

### استفاده از انجمن اولیاء و مربیان

یکی از راههای دعوت به نماز آن است که برای صدها استاد که مدرس والدین در قالب انجمن اولیا و مربیان هستند دوره های ویژه علمی کارگاهی و تجربی بگذاریم تا هم خود استادان آشنا شوند و هم در تدریس خود به والدین نسل نو را آموزش دهند.

### اردوهای ویژه

یکی از راههای دعوت به نماز آن است که افرادی را که نسبت به نماز تارک یا کاهلند شناسایی و در قالب اردوهایی آنان را یک یا دو روز از کارهای روزمره جدا کنیم و از افراد کارشناس قوی برای شرکت در اردو و کار کردن روی آن افراد کاهل دعوت

نماییم. باید در این اردوها از اسرار و آموزش و سایر ابزار بهره گیری شود. همین اردوها برای روحانیان، امامان جماعات و مسئولان نماز از نظر انتقال تجربه با بیان ابتکارات مشکلات و راه حل ها می تواند بسیار مفید باشد.

## چهارم حاکمیت

اکنون که به لطف خدا و عنایات اهل بیت (ع) و به برکت خون شهیدان و ایستادگی مردم دین مدار حکومت اسلامی در کشور برقرار شده، لازم است مسئولین و مدیران از این فرصت به وجود آمده نهایت استفاده را ببرند و در رأس برنامه ها موضوع اقامه نماز را قرار دهند؛ که اگر نماز به خوبی در جامعه اقامه شد. بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی حل خواهد شد.

## اولین وظیفه

قرآن اولین وظیفه حاکمیت را اقامه نماز ذکر میکند: «الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ يَا دَرَجَاتٍ دَرَجَاتٍ فِيهَا هُمْ وَرَبُّوهُمْ فِي حُسْنٍ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَاتَّبَعُوا أَمْرًا وَعَاوَزُوا بِأَمْرٍ مُّؤْتَمَرًا مِمَّا رَفَعْنَا لَكُمْ فِي هَذِهِ الْقُرْآنِ لَعَلَّكُمْ أَتَقَرُّوْنَ وَتَرْحَمُونَ» (سوره بقره، آیه ۱۷۷).  
 موسی (ع) دستور می دهد پس از استقرار بنی اسرائیل در مصر به اقامه نماز بپردازد: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ .

وجود مبارک پیامبر اکرم (ص) نیز اولین اقداماتشان درباره نماز بود. مثل اینکه :

با رسیدن به قبا مسجدی بنا کردند؛

با رسیدن به مدینه به اقامه نماز جمعه پرداختند؛

بعد از نماز جمعه مدینه تا مدتی مشغول ساخت مسجد شدند.

## تربیت کارشناس

یکی از راههای دعوت به نماز آن است که مسئولان فرهنگی و دلسوزان جامعه تدبیری بیاندیشند و برای دعوت به نماز افرادی را که دارای انگیزه بالا هستند و در بیان عمل محبوبیت و تجربه استعدادهایی دارند تربیت کنند تا آنها در هر منطقه ای مسئول و محور نماز باشند و هر چند ماهی یک بار در گردهمایی ها راههای طی شده را بررسی و تجربه ها را منتقل کنند. البته این کار به انواع حمایت ها نیاز دارد.

حضرت ابراهیم (ع) به عنوان مسئول هدایت مردم هم در دعا از خداوند توفیق اقامه نماز را برای خود و نسلش می خواهد رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي .

هم در عمل زن و فرزند خود را در بیابان بی آب و گیاه کنار کعبه اسکان میدهد و به خدا می گوید: من این کار را برای اقامه نماز انجام دادم: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ .



همیشه و هر جا یک مسئول دلسوز محبوب آشنا و فعال داشته باشیم توفیقات چشم گیر خواهیم داشت. تربیت مربی و کارشناس نماز تنها با مدرک و نمره و دروس رسمی نیست؛ بلکه باید از جوشش درونی سوز شور اراده و همت بالایی نیز برخوردار باشد.

به طور کلی مردم در کارهای خود چهار دسته هستند:

هم کار و هم شیوه انجامشان خوب است که در نماز باید این گونه باشد؛

هم کار بد است و هم بد انجام داده میشود مثل کشتن امام حسین (ع) آن هم با آن وضع فجیع؛

گاهی کار خوب است ولی بد انجام میگیرد (مانند اقامه نماز همراه با اذان بد صدا، مسجد کثیف، قرائت بی جاذبه و عدم آگاهی به مسائل شرعی)؛

کار بد است ولی خوب انجام میگیرد (تجاوزهای آمریکا در قالب حقوق بشر)؛

در نمونه منفی از کسانی انتقاد میکنند که در روز جمعه هنگام نماز جمعه که پیامبر مشغول خطبه ها بود، تا صدای طبل فروشندگان را می شنیدند، جز چند نفری همه رسول خدا را رها کرده به سراغ خرید می رفتند: «وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَ تَرَكُوكَ قَائِمًا .

#### در دسترس بودن امکانات

یکی دیگر از وظایف در دسترس بودن امکانات برای اقامه نماز است و البته این مهم به همه واجبات مربوط می شود.

قرآن درباره افرادی که به جبهه نمی روند، گلایه میکند و می فرماید: «وَ لَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً»، یعنی اگر اینها قصد شرکت در جبهه داشتند باید خود را مجهز میکردند و در تمرین و تهیه اسلحه کوشا می بودند. حضرت علی برای خرید لباس احرام به بازار رفت و همین آیه جهاد را تلاوت کرد و اشاره فرمود همان گونه که جهاد نیاز به تجهیزات دارد، حج هم این گونه است.

بنابراین از راه های دعوت به نماز فراهم کردن امکانات از جمله وجود مساجد و نمازخانه های زیبا و مجهز و تبلیغات سراسری از طریق اذان حلقومی به طور زنده نه رادیو و ضبط می باشد.

#### باز بودن شبانه روزی مساجد

با کمال تأسف، اگر انسان در هر خیابانی تصمیم به خوردن چیزی بگیرد انواع غذاها ساندویچ ها، آب میوه ها، شکلات ها بستنی ها فالوده ها آجیل ها بیسکویت ها با چند متر راه رفتن همه در اختیار انسان است؛ اما گاهی در بعضی مناطق باید چند کیلومتر رفت تا به مسجد رسید.

با کمال تأسف انواع سیگارها در دسترس است تا بتوانیم ریه خود را با دود تلخ از بین ببریم ولی مسجد و نمازخانه که بتوانیم در آنجا روح خود را با خدا آشنا کنیم در دسترس نیست!

چرا باید هر چند قدم به یک بانک برسیم ولی هر چند خیابان یک مسجد پیدا نکنیم؟؟

مگر خداوند متعال اولین بنای زمین را مکه قبله گاه عالم قرار نداد؟! «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا .

مگر پیامبر همین که به مدینه هجرت کرد پیش از ورود به شهر در منطقه قبا توقف نکرد و مگر اولین کارش ساختن مسجد قبا نبود؟!

مگر اولین کار پیامبر در مدینه ساختن مسجد النبی نبود؟!

مراد ما از دسترسی به مساجد و امکانات مساجد بزرگ مجلل و پرهزینه نیست بلکه مساجد ساده، محکم و کوچک ولی در دسترس امام خمینی فرمود: مسجد سنگر است؛ سنگر باید محکم و در دسترس باشد. ناگفته پیداست که در دسترس بودن امکانات افزون بر مسجد وجود فرش و امکان سرد و گرم کردن امکان پارکینگ و نیازهای اولیه نیز می باشد.

### حساسیت مسئولان

مسأله بعد، حساسیت مسئولان است.

در برخی روایات میخوانیم وقتی از افرادی نزد امام (ع) ستایش می شد امام (ع) می فرمود: «كَيْفَ صَلَاتُهُ ؟

یعنی نمازش چگونه است؟ و این نشان میدهد که اگر مسئولان غیر از توجهات عمومی حساسیت خود را نسبت به نماز دیگران نشان دهند اثر گذار است؛ یعنی اگر استاندار در سال دوبار از مدیران کل منطقه فقط درباره نماز و نه مسائل جاری روزمره سؤال کند و در بازدیدها برای بازدید از مسجد و نمازخانه وقت مخصوص بگذارد و در شناسایی و گزینش و نمره افراد نسبت به نماز حساس باشد سرعت گرایش افراد جامعه به سمت نماز بیشتر می شود.

### تبلیغات وسیع

وجود نمادهای نماز از جمله خیابانی به نام نماز میدان نماز شعر نماز اذان نماز عکس و پوستر از نماز چهره های محبوب در مراکز اجتماع و هرگونه علامت و ساختمان و آثاری که نماز را به یاد بیاورد میتواند گام مؤثری برای دعوت به سوی نماز باشد.

برای گروه های ویژه باید کار ویژه ای انجام داد.

در مراکزی که افراد خاصی هستند مانند مراکز آموزشی شبانه روزی پادگان ها مدارس تیزهوشان شهرک ها و مانند آن باید افراد ویژه ای که از اطلاعات خاصی برخوردار هستند به طور دائم حضور داشته باشند.

نیازهای ویژه آنان را بدانند با آنان ارتباط عاطفی برقرار کنند این افراد مسئول اقامه نماز آن مراکز باشند.

و اگر عالم و روحانی جامع شرایطی پیدا نشد یک نفر را به طور گردشی نوبت به نوبت در این مراکز به کار بگیرند تا از این نسل نو که آسیب پذیرترند حفاظت مکتبی بشود.

### تأمین اعتبار

همان گونه که در میان ده ها هزار حدیث و آیه موضوع نماز بیشترین سهم را دارد برای دعوت به نماز نیز باید بودجه ای بیش از بودجه موسیقی گردشگری تبلیغات حج برنامه های عید نوروز ورزش و مانند آن اختصاص داده شود.

نباید پس از ده ها سال تأسیس جمهوری اسلامی هزاران روستا حتی در ماه رمضان از داشتن روحانی محروم باشند.

نباید هزاران منطقه و شهرک و روستا بدون مسجد وجود داشته باشد.

نباید هزاران مسجد ساخته شده بدون روحانی باشد.

نباید در هزاران مسجد به ویژه صبح ها بسته باشد.

نباید توجه به تواشیح بیش از توجه به اذان باشد.

نباید برای امام جماعت های جوان دوره های مهارتی گذاشته نشده باشد.

نباید مسئولان فرهنگی دینی تنها در قالب یک اداره (مدیر کل قائم مقام مدیر حوزه ریاست روابط عمومی بایگانی و.....) فعالیت کنند.

### انحراف در معنای فرهنگ و تأمین اعتبار

امروز بودجه های فرهنگی شورای فرهنگ عمومی بودجه های فرهنگی شهرداری ها سازمانها روابط عمومی ها کم نیست ولی مشکل زیاد است.

بعضی نماز را جزو فرهنگ نمی دانند بلکه نگاهشان به نماز یک عمل جزئی فردی و شخصی است در حالیکه نماز سیمای دین و هویت دین و عمود دین و محور دین می باشد. اکنون که این سطرها را می نویسم نمی دانم مسئولیتی که بودجه های

فرهنگی را در اختیار دارند چند درصد آن را برای دعوت به نماز کتاب نماز آموزش نماز فیلم، نماز، مکان نماز، و امثال آن هزینه می کنند و آیا در بودجه ها سهم نماز داده می شود یا خیر؟

اسلام برای فرهنگ سازی نماز دستور میدهد که هر شبانه روز چند بار افراد خوش صدا بر بالای بام ها با حلقوم خود اذان بگویند.

اذان که وسیله ای برای اعلام توحید و اعلان به مردم و فراخوانی آنان به تجمع برای نماز است از شعارهای زیبا و مؤثر اسلام است.

اذان یک دوره ایدئولوژی و تفکرات ناب اسلامی است.

اذان هشدار به غافلان است، اذان نشانه باز بودن جو مذهبی است و اذان نشانه حیات معنوی است.

راستی در جلسات فرهنگ عمومی و بودجه های فرهنگی به این مسئله که هم در قرآن در قالب نادیتیم إلی الصلاه و نودی للصلاه

و در ده ها حدیث به آن اشاره شده چقدر پرداخته شده است.

راه مستقیم در جذب بودجه های فرهنگی و مصرف آن نیاز به اسلام شناسان دلسوز دارد.

سخن که به اینجا رسید بد نیست کمی از خود بازجویی کنیم :

همانگونه که یکی از بزرگان در وصیت نامه خود را وصی خود قرار داده بود و نوشته بود اگر بناست بعد از مرگم کسی کاری انجام دهد من خودم وصی خودم هستم. ما نیز از خود بپرسیم :

آیا به هنگام یاد خدا دل ما می لرزد؟ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ .

آیا به هنگام شنیدن صدای اذان تجارت را تعطیل می کنیم؟ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ .

آیا در نماز ما خشوع هست؟! فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ .

آیا اشکی در سجده داریم؟! سَجْدًا وَ بُكْيًا .

آیا بر نماز خود حفاظت میکنیم؟! عَلٰی صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ .

آیا خود را برای مناجات شبانه از رختخواب کنده ایم؟! تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ .

آیا نسبت به نماز نسل خود سفارش لازم را داشته ایم؟! وَ أَمْرٌ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ أَصْطَبِرَ عَلَيْهَا .

آیا برای نماز اول وقت ارزشی قائلیم؟! فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ \* الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ.

آیا برای اقامه نماز از چیزی دل کنده ایم؟ رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ .

آیا در خرید و تهیه مسکن به مسئله نزدیک بودن ما به مسجد فکر کرده ایم؟

### ایجاد امنیت

از جمله چیزهایی که در دعوت به نماز مهم است ایجاد امنیت است. ممکن است رها کردن مغازه و بازار و رفتن به مسجد بستری برای بعضی سرقت ها قرار گیرد.

باید مسئولین امنیتی (پلیس نیروی انتظامی و ...) و یا نیروهای مردمی هر روز به نوبت مسئول حفاظت بازار باشند.

و برای هر چند مغازه یک نفر مسئول امنیت باشد تا بازاریان بتوانند مغازه را رها و به مسجد بروند.

و همچنین نسبت به پارک ماشین و موتور و وسایل دستی نیاز به برنامه ریزی عملیاتی دارد. و همچنین گاهی اطفالی که به همراه والدین هستند مانع اقامه نماز میشوند. در این گونه موارد باید برای دعوت به نماز مکان هایی شبیه مهد کودک در کنار مساجد وجود داشته باشد تا افراد کودک خود را به آنجا بسپارند و با آرامش نماز بخوانند ، دغدغه های کفش و ماشین و وسایل دستی و کودک باید برطرف شود.

### صدا و سیما

برنامه های صدا و سیما

از عوامل دعوت به نماز برنامه های صدا و سیماست در اسلام حدود پانزده درصد روایتی که مربوط به همه دین است مخصوص نماز است.

و در میان هزاران حدیث و نکته و اسرار که در روایات وجود دارد بسیاری از آنها با هنر و تصویر قابل اجرا است.

در صدا و سیما باید جایی دائمی برای افراد فاضل و عاشق فارغ اسلام شناس مردم شناس هنر شناس، همراه با امکانات و بودجه ای در نظر گرفته شود.

آموزش نماز برای عموم و قشرهای ویژه از جمله نماز در هواپیما نماز در بیمارستان نماز در میدان جنگ و مانند آن قابل آموزش است.

هنرمندان دلسوز میتوانند با مشاوره اسلام شناسان خوش سلیقه بسیاری از اینها را همراه با اعتقاد شخصی خود به تصویر بکشانند.

می توان آموزش احکامی از جمله وضو، غسل، وضوی جییره تیمم قبله شناسی وقت شناسی احکام جماعت، شیوه درست خواندن نماز و پاسخ به شبهات نسل نو را به تصویر بکشد.

### تناسب نماز شبکه های تلویزیون با مخاطبان

بنا بر حدیث سیره پیامبر این بود که بزرگان هر گروه و قومی را احترام می کرد؛ « یُكْرَمُ كَرِيْمَ كُلِّ قَوْمٍ .

لازم است به تفکر و توقع مخاطبان توجه داشته باشیم.

اگر در میدان فوتبال نماز جماعت بزرگان ورزش فوتبال را نشان دهند در دعوت مردم به نماز مفیدتر از آن است که نماز جماعت سالمندان را نشان دهند.

اگر از مدارس ابتدایی دبیرستانها و دانشگاهها نماز جماعتی را در شبکه های سیما بیاورند اثر بسیاری مهمی در جذب این گونه مخاطبان در جذب به نماز دارد.

پخش نمازهای تکراری برای دعوت به نماز جاذبه لازم را ندارد.

### فرهنگ سازی

صدا و سیما میتواند برای امور زیر اقدامات مطلوبی را انجام دهد.

ای کاش زمانها و مکانها و بودجه هایی که صرف پیشگیری و جلوگیری از فحشاء و منکر میشود برای اقامه نماز هزینه گردد.

ای کاش برخی از برنامه ها کتاب ها بودجه ها زمانها و زمینهایی که برای تربیت انسانها هزینه میشود، صرف نماز می گشت.

ای کاش در بودجه ها و برنامه هایی که برای مسائل فرهنگی هزینه میشود نماز را در رأس کار فرهنگی خود قرار می دادند.

### گروه های مختلف مردم

قرآن کریم می گوید:

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ .

شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده اند؛ چه اینکه امر به معروف و نهی از منکر می کنید.

قرآن علت بهترین امت بودن را مسأله امر به معروف و نهی از منکر ذکر میکند و بالاترین معروف ها نماز است.

در مسأله ترویج نماز نباید فقط به نهادها و ارگانها یا افراد خاصی توجه کنیم و مردم فقط تماشاچی باشند بلکه یکی از وظایف همه آحاد جامعه اقامه نماز و ترویج فرهنگ نماز در سطوح مختلف است.

### دعوت شریکی

گاهی دعوت به نماز و یا هر کار دیگر به شرطی مفید است که به صورت جمعی انجام شود. اگر نامه است، به صورت طومار و اگر تقاضایی است به صورت تقاضای جمعی.

### بسیج عمومی

از آنجا که اقامه نماز یک برنامه عمومی دائمی و گسترده است هیچ فرد و سازمانی نمیتواند به تنهایی در دعوت به نماز به توفیق کامل برسد بلکه باید همه نیروها را بسیج کرد و با مدیریت واحد زیر نظر با سوادترین دلسوزترین و محبوب ترین افراد کار را به صورت بسیجی حل کرد.

همان گونه که پاره کردن یک طناب مشکل است ولی اگر این طناب را رشته رشته کنیم و هر نخ را به دست یک توانمندی بدهیم خواهیم توانست طناب را پاره کنیم.

مثلاً در دنیای ورزش کسی که شرایط لازم را دارد مسؤول اقامه نماز در میدان های ورزش باشد همان گونه که در روزهای تاسوعا و عاشورا رئیس هیأت ها مسؤول اقامه نماز عزاداران هستند.

برای نماز بازار باید اتاق بازرگانی و مسؤولان اصناف فکر و تدبیری بیاندیشند.

برای تربیت امام جماعت باید حوزه ها در کنار درسهای رسمی دوره های مهارتی را آموزش دهند.

بدیهی است که این کار تنها با بخش نامه و گزارش و آمار و نام و نان و عنوان محقق نمی شود بلکه باید افرادی که از درون معتقد و از بیرون توانمند هستند و کلام نافذی دارند، دست به کار شوند.

### تشکیل گروه های یاوران نماز

یکی از راههای دعوت به نماز تشکیل گروه های یاوران نماز است.

می شود در هر منطقه ای افراد فعال نماز شناسایی شده و در گردهمایی هایی آموزش ببینند و به وسیله آنها دیگران را به نماز دعوت کنیم همان گونه که در مراسم عاشورا در هر منطقه ای چند نفری قیام میکنند و با انواع روشهایی که دارند عزاداری



امام حسین علیه السلام را بر پا می دارند گاهی توسط چند نفر صدها و هزاران نفر را به شرکت در عزاداری جذب می کنند؛ به ویژه اگر این یاوران افراد باسواد و محبوب و خوش بیان و با حوصله باشند.

گاهی استعمار و ابر قدرت ها در مناطقی که هدف گذاری میکنند به وسیله افرادی که از پیش آنها را شناسایی کرده و آنان را از راه تطمیع تحقیر یا وعده و وعید همراه خود ساخته اند آن منطقه را تحت استعمار خود در می آورند.

برای این کار از دانشجویان و تحصیل کردگان در کشورشان هیأت‌های اعزامی سفارتخانه ها وابستگان وطن فروشان خود باخته، مهمانی ها دعوتها نشان دادن چراغ سبز فیلم ها و کتابها جامعه را به بردگی میکشاند و از تمام توان خود برای جذب دیگران بهره میگیرند تا آنجا که مسیحیت از آن سوی دنیا برای نابیناهای این طرف دنیا، نوارهای صوتی رایگان می فرستد تا این نابینایان از راه شنیدن تحت تاثیر آنها قرار بگیرند.

بنابر تاریخ ناصرالدین شاه را به اروپا و رضا خان را به ترکیه مهمان کردند و با نشان دادن صحنه هایی آنان را برای دین زدایی در کشور آماده نمودند.

اکنون که آنها در راه باطل یارگیری میکنند چرا ما از پارگیری در راه حق غافل باشیم؟

در میان میلیونها دانشجو میتوان هزاران دانشجوی عاشق و پر انرژی را شناسایی کرد و آموزش داد تا میان نسل نو و در محله، فامیل و دانشگاه حامیان نماز باشند.

امروز پلیس در جاده ها برای کاهش تصادفات دلخراش حتی از کودکان به عنوان همیار پلیس استفاده میکند تا در ماشین به پدر و مادری که پشت فرمان نشسته تذکر پلیسی دهد.

امروز برای جلوگیری از فلج اطفال از نیروهای بسیج و دانشجویان استفاده می کنند.

امروز برای سرشماری در جامعه از انسانها، جنسیت تحصیلات سرمایه امکانات و ... از نیروهای آزاد و مردمی و دانشجویی و ... کمک می گیرند.

امروز در دنیا برای حوادث پیش بینی نشده صلیب سرخ و هلال احمر و ... از نیروهای مردمی نوع دوست استفاده می کنند.

امروز جمع زیادی از طلاب و دانشجویان در قالب اردوهای جهادی به نقاط مختلف و دور میروند و انواع خدمات را به طور رایگان ارائه می دهند.

بنابراین استفاده از نیروهای عاشق مردمی و رایگان برای نجات مردم و کمک رسانی به آنان در قالب های متنوع استفاده میشود. پس با داشتن این همه الگو و ظرفیت چرا ما درباره نجات و کمک معنوی (نماز) از این نیروهای مخلص و مردمی تا کنون غفلت کرده ایم.

به راستی باید از این همه غفلت نزد خداوند متعال عذرخواهی کنیم و برای جبران این غفلتها از خداوند توفیق بخواهیم و دل سوزان مؤمن را فرا بخوانیم تا شاید به نماز و مسجد رونقی ببخشیم.

## فصل هفتم : آسیب ها و موانع دعوت

در دعوت به نماز باید موانع را برطرف کنیم وگرنه این موانع دعوتها را خنثی می کند.

### آسیب ها و موانع دعوت

#### ۱- اقدام نابه هنگام

در اسلام می خوانیم کودک را از کودکی گام به گام با وضو و قبله و نماز و سجاده و... آشنا کنید. تا هنگام بلوغ نماز برای او روان باشد. اما ما گاهی فرزند خود را رها میکنیم و میگوییم هنوز به تکلیف نرسیده نتیجه این رهایی آن است که به هنگام بلوغ نماز برای او سنگین است.

آری اگر کسی قبل از وقت وضو بگیرد هنگام نماز نماز برای او روان است اما اگر هنگام اذان نیاز به تطهیر و وضو و تغییر لباس و شرایط دیگر داشت نماز برای او سخت است.

راستی حاضرید همان گونه که قبلا گفتیم کودک شما به سیگار گرفتار شود و با خود بگوید اول تکلیف در یک لحظه سیگار را ترک خواهد کرد دختری که تا ۹ سالگی بی حجاب زندگی کرده در لحظه تکلیف حجاب برای او سنگین است.

تعجب است ما برای دبستان مرحله پیش دبستانی میگذاریم و در مهدهای کودک فرزندانمان را با آموزش های ساده و روان آشنا می کنیم تا به رفتن به مدرسه عادت کند ولی حاضر نیستیم برای نماز فرزندان را قبل از تکلیف با نماز آشنا کنیم.

#### ۲- رفتار والدین و نمازگزاران

رفتار والدین در خانه و افراد نمازگزار در جامعه و اخلاق اهل مسجد در مسجد و مشکل گرانی و تبعیض و خشونت با مردم به خصوص مسئولین می توانند موانع دعوت باشند.

جالب آن است که قرآن نماز را همراه با خوش خلقی بیان کرده .

همراه با کسب و کار و تلاش قرار داده و فرموده بعد از نماز جمعه سریع به سراغ تجارت و کار بروید.

نماز را همراه با رحم و محبت قرار داده.

همراه وفای به عهد قرار داده .

همراه مشورت قرار داده .

همراه با صبر و مقاومت قرار داده .

همراه با اتفاق قرار داده .

کوتاه سخن آن که اگر نماز را با نگاهی جامع و همراه با سایر دستورات ببینیم این نماز جاذبه خواهد داشت.

۳- رها شدن دعوت (دعوت های مقطعی)

اگر دعوت ها لحظه ای باشد و استمرار نداشته باشد اثر خوبی نخواهد داشت قرآن در کنار سفارش به حق، سفارش به

استمرار و پایداری نیز دارد یعنی در کنار تواصوا بالحق می فرماید و تواصوا بالصبر»

قرآن درباره لقمان حکیم می فرماید: «و هو يعظه .

یعنی موعظه لقمان به فرزندش استمرار داشت. کلمه يعظ فعل مضارع است و نشانه استمرار است.

ضمناً باید بدانیم موعظه در قرآن و روایات نشانه دلسوزی، حیات تعهد به دین است تا آن جا که گاهی معصومین ما به

دیگران میگفتند ما را موعظه کنید و این که گفته شود زمان موعظه گذشته حرف صحیحی نیست. موعظه اگر از افراد وارسته

همراه با عاطفه و محبت و شیوه صحیح باشد حتماً اثر خودش را فوری یا در مدت خواهد گذشت ولی اگر همراه با

خشونت تکبر و تحقیر مخاطب باشد یا بی اثر و یا اثر منفی خواهد داشت.

۴- شیطان

یکی از موانع نماز شیطان است که قرآن می فرماید:

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ.»

در حدیثی از پیامبر اکرم میخوانیم تا مادامی که انسان بر نمازهای پنج گانه حفاظت داشته باشد شیطان از انسان وحشت

دارد ولی همین که نمازها را ضایع کرد شیطان بر او مسلط و او را وارد بر گناهان کبیره می کند.

۵- برنامه های صدا و سیما

برنامه های صدا و سیما نباید به گونه ای باشد که دعوت به نماز را خنثی کند.

قرآن کریم می فرماید دلیل سنگینی نماز برای بعضی آن است که خشوع ندارند.

خشوع زمانی پیدا میشود که توجه به قدرت خدا نیاز و توجه به او پناهندگی توکل و تشکر از او در انسان زنده باشد.

هر یک از این عنوانها میتواند دست مایه ای برای کارهای هنری باشد.

در صدا و سیما میتوان زشتی های غرور تکبر خود برتر بینی غفلت کفران نعمت و .... دست مایه فیلم ها و آثار هنری قرار گیرد.

لازم است صدا و سیما در کنار برنامه های خوبی که برای اقامه نماز تا کنون صورت داده در خصوص ترویج فرهنگ نماز و اقامه آن قدم های شایسته تری را بردارد.



## ❖ فصل دوم: نکات مهم شیوه های دعوت به نماز (قرائتی) تالیف ایران عرضه

۱\_ امر به معروف و دعوت به هر کار خیر و از جمله نماز که در مرکز کارهای خیر قرار دارد نشانه دلسوزی، تعهد، غیرت دینی خیر خواهی وجدان بیدار ایمان به مکتب و مردم و ایمان به هدف و راه می باشد.

۲\_ در واقع افرادی که نسبت به عقاید و عبادت دیگران بی تفاوت هستند باید بدانند که در وجدان تاریخ و قیامت توبیخ می شوند. خداوند هم از افراد جاهل پیمان گرفته که به سراغ علم و کشف حق بروند و هم از دانشمندان پیمان گرفته که به سراغ افراد جاهل و منحرف بروند.

۳\_ اگر آزادی به صورت مطلق باشد باید بتوان با لباس شنا در کلاس فیزیک حاضر شد و باید در تمام دنیا هر گونه توبیخ و جریمه و محاکمه را کنار گذاشت اگر آزادی به طور مطلق باشد و بتوانیم کودک و نوجوان یا جوانان هوس باز را رها کنیم غریزه و شهوت ها نسل انسان را نابود می کند.

۴\_ هر آزادی ای ارزش و هر محدودیتی نقص نیست وقتی انسان از کفش و جوراب استفاده میکند - هر چند این کار محدود کردن پای انسان است - ولی این محدودیت سبب حفظ پا از خار خاشاک تیغ شیشه و خاک کوچه است.

۵\_ اگر امر به معروف نباشد هر روز خلاف و خلاف... کار زیادتر می شود و از خوبی ها کاسته در توضیح تأثیر اعمال افراد جامعه بر هم مثال معروفی است که گویای مسأله است: اگر کسی محل فقط نشستن خود را در کشتی سوراخ کند و فقط از آنجا آب وارد کشتی شود همه مسافران را غرق خواهند شد!

۶\_ دعوت به خیر نماز و هر کار خیر دیگری تنها با علم تجربه، روانشناسی استفاده از ابزار و فرمول ها انجام نمی شود؛ بلکه این کار مقدس باید از سرچشمه بی نهایتی گرفته شود.

۷\_ بر هر مسلمانی واجب است که در هر نمازی از خداوند متعال هدایت خود را درخواست کند.

۸\_ برخی افراد پس از چندین بار تذکر تأثیر می پذیرند؛ همان گونه که خرما پس از تابشهای پی در پی و مکرر خورشید می رسد. در قرآن هم می خوانیم: «وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ كَمَا فِي آيَةِ عِبَارَتِ كَانِ يَأْمُرُ» دلالت بر استمرار دارد. ؛

۹\_ یکی از اصول اساسی در دعوت به نماز آسان گیری است. قرآن می فرماید ما وحی را آسان قرار دادیم تا به راحتی مردم متذکر شوند.

۱۰\_ در آموزش و در دعوت به حق ما باید اساس را بر آسان گیری و آسان سازی قرار دهیم. مثلاً در آموزش به واجبات بسنده کنیم. حتی در آموزش مستحبات هم تمام ابعاد مستحبی را در نظر نگیریم؛

۱۱- باید آداب و رسوم و قوانینی که نه بر اساس عقل است و نه بر اساس وحی از بین برود تا مانع حرکت نشود.

۱۲- بسیاری از افرادی که از انجام کارهای خیر محرومند به خاطر ضعف اراده و جرئت است.

۱۳- نکته دیگر در ایجاد روحیه شهامت در فرزندان این است که والدین نباید حتی اگر لغزشی از فرزند دیدند، او را سرکوب کنند؛ به طوری که جرئت فرزند از بین برود؛ اگر در معامله رانندگی نوشته و سخنی راه درست را نرفت، به گونه ای به او تذکر دهند که شهامتش از بین نرود.

۱۴- بدیهی است که مراد ما از جرئت و جسارت آن جرئت و جسارتی است که همراه با تدبیر و شناخت باشد؛ و گرنه اگر این جسارت در افراد نا اهل باشد جرئت آنان بر گناه بیشتر خواهد شد.

۱۵- گاهی انسان بر اساس عقل و تدبیر ساکت میشود و برخوردی نمی کند؛ که این حیا عاقلانه است؛ مانند اینکه اگر از والدین و دوستان کلام بدی را شنید یا حرف بدی را دید از پاسخ دادن و مقابله به مثل حیا میکند ولی سخن ما در آنجاست که حیا و خجالت از ضعف و زبونی و خودکم بینی ناشی می شود.

۱۶- قرآن کریم یکی از نشانه های خوب بندگان خدا را این میدانند که به جامعه حرکت بدهد؛ یعنی او مسأله نماز را طرح کند و خود به نماز بایستند تا دیگران از او اقتباس کنند: «وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ اِمَامًا».

۱۷- قرآن مردم را از لحاظ تأثیر پذیری از محیط به سه دسته تقسیم می کند:

۱ گروهی که در جامعه فاسد هضم می شوند

۲ گروه دیگر جرئت دارند که خود قیام کنند و منطقه و محل گناه را رها کنند

۳ گروه سوم افرادی هستند که نه تنها در جامعه فاسد هضم نمیشوند بلکه علاوه بر خارج شدن از منطقه و جلسه، سعی می کنند تا جامعه را تغییر دهند و فضای فاسد را به فضای سالمی تبدیل کنند.

۱۸- بسیاری از افرادی که اگر ببینند کسی نماز می خواند آنها هم برای نماز قیام می کنند؛ ولی از اینکه خودشان به تنهایی برای نماز قیام کنند، خجالت می کشند.

۱۹- افراد بی اراده و ضعیف به جای اینکه به بر طرف کردن عیب خود بپردازند کار خود را متانت بصیرت و عقلانیت می پندارند.

۲۰- حضرت امیر میفرماید: امر به معروف و نهی از منکر نه رزق شما را قطع و نه مرگ شما را نزدیک می کند.

۲۱- هفده رکعت نماز را در یک لحظه واجب نکرده؛ بلکه آنها را در چند نوبت تقسیم و توزیع کرده است. نمازهای نافله را به ایستادن و رو به قبله بودن مشروط نکرده؛ یعنی انسان می تواند در حال راه رفتن هم حمد و سوره را بخواند و با اشاره خفیفی رکوع و سجود را انجام دهد.

۲۲- در امر به معروف و نهی از منکر باید موضوع شناسی و مخاطب شناسی بصیرانه صورت گیرد. گاهی نرمی و گاهی تندی لازم است.

۲۳- در دعوت به نماز باید به آمادگی و نشاط مخاطب توجه کرد؛ زیرا حالت های انسان متفاوت است. بنابراین باید زمینه مناسب را فراهم کرد

۲۴- دعوت کننده به کار خیر باید دارای سعه صدر و اخلاق عالی باشند: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ .

۲۵- کسانی که مسئول دعوت به نماز یا آموزش آن هستند باید سعی کنند این سخنها را به گونه ای بگویند که هم عوام آنها را بفهمند و هم خواص آنها را بپسندند

۲۶- استاد و معلم و روحانی باید آن گونه بگویند که هم عوام بفهمد و هم خواص بپسندد؛ یعنی هم با استدلال باشد و هم روان و قابل فهم برای همه گفته شود

۲۷- قبل از شروع به دعوت لازم است که چند گام اساسی نسبت مخاطب برداریم؛ چرا که اینها زیر بنای دعوت به هر کار خیری است.

۲۸- برای اینکه دعوت مؤثر و مفیدی داشته باشیم، لازم است علت نماز گریزی و سستی مخاطب خودمان را نسبت به نماز بدانیم تا از همان دریچه به درمان این مشکل و دعوت به نماز پردازیم.

۲۹- گاهی افرادی ایمان دارند ولی به دلیل تنبلی و تن پروری نماز را رها می کنند که این تن پروری در هر کاری عامل رکورد سقوط است.

۳۰- بعضی از افراد محیط زده میشوند؛ مثلاً در سفر خارجی و یا بعضی مهمانی های داخلی جرئت اینکه به تنهایی نماز بخوانند را ندارند؛ ولی اگر جمعی نمازگزار پیدا شوند به آنها ملحق می شود

۳۱- بهترین راه برای زنده کردن احساسات انسانها نسبت به خدا توجه به نعمت هاست؛ همان گونه که این پیرمرد جوانش را با بیان محبت های گذشته خود بر سر شور و شعور آورد و وجدان خفته او را بیدار کرد.



۳۲\_ تنها بحثی که هیچ گاه و برای هیچ کس تمام شدنی نیست یاد نعمتهای خداوند است و بهترین راه دعوت به نماز، توجه به خداوند و نعمت های اوست.

۳۳\_ اگر انسان بداند که برای سقوط او چه چیزهایی در کمین است از قبیل هوس ها وسوسه ها شیطان ها حسادت ها و خطرها به سراغ قدرتی بی پایان می رود

۳۴\_ هر عقل و وجدان سالمی تشکر از ولی نعمت را واجب و لازم و بی اعتنایی به منعم را بی ادبی می داند. انسان به همین دلیل عقلی و فطری باید از خداوند تشکر کند و بهترین نوع تشکر اطاعت از دستورات اوست خداوند نیز ده ها بار با صراحت به اقامه نماز دستور می دهد.

۳۵\_ کسی که اهل نماز است باید زمین، زمان فضا، لباس مرکب مسکن آب و خاک او صد در صد حلال باشد کسی که اهل نماز است باید برای قبولی نمازش هم از غذای حرام دوری کند و هم زکات مالش را پردازد و از آزار همسر و فرزند و دیگران نیز دوری کند

۳۶\_ نماز راه رسیدن به دین است رضایت خداوند در نماز است پیروی از راه انبیاست محبوبیت نزد فرشتگان است مایه هدایت و ایمان است.

۳۷\_ در اسلام به ما سفارش شده اگر میخواهید دیگران را دعوت کنید با عمل دعوت کنید نه با زبان: «كُونُوا دُعَاءَ النَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ».

۳۸\_ والدین مسئول عقائد افکار و اخلاق فرزندان هستند و فرزندان امانتی در اختیار والدین؛ پس هر نوع کوتاهی، خیانت به این امانت است.

۳۹\_ مسأله حفاظت از نماز

مکرر در قرآن آمده است؛ یک بار با تعبیر «حافظوا و سه بار با تعبیر «یحافظون آمده است. از همین قالب یحافظون» استفاده می شود که هم ما باید نماز را حفظ کنیم و هم نماز ما را حفظ می کند. مانند آیه «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ..»

۴۰- در قرآن دو سطح انجام وظیفه از انسان خواسته شده است؛ سطح اول اینکه انسان حق هر کاری را ادا کند. مثل: حق تقوا: «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ؛

اما سطح دیگر آنکه اگر حق تقوا و جهاد و کتاب آسمانی را نمی پردازید دست کم از آنچه در توان دارید کوتاهی نکنید و به مقدار توانایی خود کوشا باشید.

۴۱- اذان که وسیله ای برای اعلام توحید و اعلان به مردم و فراخوانی آنان به تجمع برای نماز است از شعارهای زیبا و مؤثر اسلام است. اذان یک دوره ایدئولوژی و تفکرات ناب اسلامی است.

۴۲- قرآن علت بهترین امت بودن را مسأله امر به معروف و نهی از منکر ذکر میکند و بالاترین معروف ها نماز است.

۴۳- گاهی استعمار و ابر قدرت ها در مناطقی که هدف گذاری میکنند به وسیله افرادی که از پیش آنها را شناسایی کرده و آنان را از راه تطمیع تحقیر یا وعده و وعید همراه خود ساخته اند آن منطقه را تحت استعمار خود در می آورند.

